



کار در آینده: مشاغل، خوداشتغالی و اوقات فراغت^۱

نویسنده: جیمز رابرتسون*

مقدمه مترجم

طی قرون، کار به اشکال مختلف وجود داشته است. اما تفاوت کارِ استخدامی در عصر صنعت با کار در ادوار گذشته این است که بیش از هر زمان دیگر در تاریخ، انسان‌ها و جوامع محلی را به سوی وابستگی در تامین نیازهای اساسی و آسیب پذیری در اقتصاد سوق داده است. از سوی دیگر، کارِ استخدامی موجب شده است که کمتر کسی خود را نسبت به شیوه‌هایی که از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌شود مسئول بداند. نوشته‌ی زیر ترجمه خلاصه‌ای از بخش اول کتابی در مورد کار در جامعه فرداست که در آن نویسنده، با نظری تاریخی به گذشته، تصویری امیدوارکننده و عقلانی از نوع کار در جوامع آینده ترسیم می‌کند. مخاطبین کتاب مشخصاً مردم و سیاستگذاران در جوامع صنعتی و توسعه یافته‌اند. اما به لحاظ پیروی و الگوبرداری دقیقی که در کشورهای در حال توسعه از الگوی کار در کشورهای صنعتی جهان شده است، مطالعه این اثر در درک عمیق وابستگی‌ها و آسیب‌پذیری‌های اقتصادی در این جوامع نیز سودمند است.

www.eabbassi.ir

مقدمه

در انگلستان امروزه چندین میلیون نفر بیکارند. رقم بیکاری در کشورهای صنعتی از ده‌ها میلیون فراتر رفته و وضعیت بیکاری در کشورهای جهان سوم حتی از این هم شدیدتر است. در سال ۱۹۸۲ سازمان بین‌المللی کار^۲ اعلام کرد که می‌باید تا سال ۲۰۰۰ یک میلیارد شغل جدید در جهان به وجود آید تا بتوان بر مسئله بیکاری کاملاً فایز آمد. در همان سال رییس این سازمان اذعان کرد که این چشم‌انداز به هیچوجه واقع‌گرایانه نیست و لذا امیدی به دستیابی به اشتغال کامل در جهان ندارد. از زمان این بیانیه تا کنون وضعیت کار در جهان بهتر که نشده و خیم تر هم شده است.

^۱ نوشته زیر ترجمه خلاصه‌ای از بخش ۱ کتاب زیر است. متن کتاب به زبان اصلی (انگلیسی) در آدرس اینترنتی زیر برای مطالعه بیشتر علاقمندان فراهم است. ترجمه کامل فهرست کتاب در پایان همین متن آمده است.

James Robertson. 1985. *Future Work: Jobs, self-employment and leisure after the industrial age*.

Gower/Maurice Temple Smith. (accessed 15 January 2015)

<http://www.jamesrobertson.com/book/futurework-section1.pdf>

^۲ International Labour Organisation / ILO

با این وصف، غالب سیاستمداران و اقتصاددانان هنوز مدعی اند، گرچه با اطمینان کمتر، که سیاست های مورد نظر ایشان در درازمدت همه جویندگان کار را به کار خواهد گمارد. اما سال بعد از سال، معلوم می شود که ادعای رسیدن به اشتغال کامل، اگر اساسا برای فریب توده ها نباشد، تصویری خیالی است. بدیهی است که با مکانیزه تر شدن تولید و فشارهای رقابتی در تجارت بین المللی و نیز مخالفت مالیات دهندگان با سیاست های حمایتی دولت ها برای ایجاد شغل در خدمات عمومی، حتی اگر در آینده رشد اقتصادی به میزانی که تا کنون به آن خو گرفته ایم ادامه یابد، این رشد لزوما به افزایش مشاغل به تعدادی که مورد انتظار است نخواهد انجامید.

لذا واکنش درست به شرایط حاضر می باید هم مطابق با واقعیت های امروز باشد و هم نوآورانه و شجاعتمندانه تا بتوان پاسخگوی نیازهای فردا نیز بود. واکنش ها همچنین می باید فوری باشد تا در پاسخگویی به میلیون ها تنی که امروزه بیکار اند مؤثر واقع گردد. در عین حال، برای تاثیر بیشتر در دراز مدت، این اقدامات می باید از قید چارچوب های فکری کنونی (مثل اینکه اشتغال باید الزاما توسط واحدهای صنعتی ایجاد شود) آزاد باشد. مضافا اینکه راهکارهای عملی امروز ناگزیر می باید به گونه ای انتخاب شود که سطح اتکایی مناسب برای اجرای وسیعتر راهکارهای نواندیشانه و آینده نگرانه عدی نیز فراهم آید.

در این کتاب، بررسی موضوع کار را با در نظر گرفتن تاریخ کار در جوامع بشری و سه سناریوی احتمالی برای ادامه توسعه در آینده آغاز می کنیم. و سپس یکی از این سه سناریو، که آن را سناریوی «کار برای خود»³ نام گذاری کرده ام، را به عنوان محور اصلی بحث ها در مابقی کتاب پی می گیریم. منظور از «کار برای خود» هر نوع فعالیتی است که هدفمند، سودمند است و سازماندهی و کنترل آن کاملا در اختیار مردمی است که آن را انجام می دهند. این فعالیت ها در برخی موارد در ازای دستمزد و گاه بدون دریافت دستمزد انجام می گیرد. «کار برای خود» تنها به کار بیرون از خانه محدود نمی شود و کاری که افراد در محیط خانه نیز انجام می دهند را نیز در بر می گیرد. این نوع کار می تواند همچنین به صورت گروهی

³ ownwork معادل این واژه ابتکاری مولف در فارسی می توانست «خوداشتغالی» قرار گیرد، اما همانطور که از مطالعه بیشتر متن ادراک می شود، این واژه مفهوم عام تری از کار را در نظر دارد که شامل انواع فعالیت های درآمدزا و غیر درآمد زاست.

برای رفع نیازهای مشترک اعضای گروه انجام شود؛ گروهی از افراد که در یک روستا یا در یک محله شهری، زندگی می کنند. برای افراد، «کار برای خود» می تواند به صورت خوداشتغالی باشد، یا نوعی فعالیت فرحبخش، مثل باغچه کاری، را در بر گیرد که ضمن گذران اوقات فراغت، موجب تولید محصولاتی شود که سلامت خانواده و محله را نیز بهبود می بخشد. «کار برای خود» در تیم های کاری می تواند در قالب سازمانی تعاونی، یا کسب و کارهای شراکتی و یا در چارچوب دیگر ساختارهای قانونی اداره شود.

اهمیت حیاتی «کار برای خود» در جوامع محلی این است که نیروی انسانی لازم جهت نقش آفرینی مردم در دستیابی به خوداتکایی و افزایش ظرفیت محلی از نظر تامین بسیاری از نیازمندی های اساسی در محل فراهم می شود. این خوداتکایی موجب می گردد که جوامع محلی برای تامین این نیازمندی ها و برای کار و اشتغال به محیط خارج از محل وابسته نباشند.

بخش اول کتاب، سه سناریوی احتمالی برای آینده اقتصاد را مطرح می کند. در این بخش، با بررسی قیاسی ویژگی های این سناریوها در ارتباط با حوزه های مختلف اقتصاد مثل انرژی، فناوری، حمل و نقل، محیط زیست و منابع طبیعی، اوقات فراغت، تعلیم و تربیت و آموزش عالی، سرمایه گذاری و دسترسی به سرمایه و زمین، توصیف خواهیم کرد که عبور از «استخدام» به «کار برای خود» چه تاثیری بر هر یک از این حوزه ها خواهد داشت. منظور از استخدام، کار برای غیر، در ازای دستمزد، در جایی به دور از خانه، خانواده و جامعه محلی است. یعنی همان الگوی کار و اشتغال که هم اکنون در جهان عمومیت یافته است.

در بخش ۲ کتاب نگاهی خواهیم داشت به اینکه تصور مردم از کار و کسب معاش در گذشته چه تغییر و تحولاتی را پشت سر گذاشته است، به ویژه در دوران گذار از قرون وسطی به عصر صنعت. این بررسی تاریخی نشان می دهد که همانطور که نگرش ما از کار در گذشته در مقطعی از زمان به کلی تغییر کرد و چیز دیگری شد، امروز نیز با پذیرش این احتمال، می توانیم زمینه ذهنی برای نواندیشی به منظور ایجاد شرایطی برتر برای کار را آماده کنیم.

بخش ۳ کتاب، با ذکر جزئیات بیشتر، به توصیف نهاد کار در جوامع امروز اختصاص یافته است. در این بخش توضیح خواهیم داد که ساختارهایی که مثلا در سیاست و سیاستگذاری ها،

سیستم های مالی و فعالیت های اتحادیه های کارگری و نظایر اینها دیده می شود ریشه در چگونگی سازماندهی کار در نظام فعلی مبتنی بر استخدام دارد. به عبارت دیگر، این ساختارها اجزای به اصطلاح «امپراتوری استخدام» را تشکیل می دهند که مردم در کشورهای توسعه یافته را هر چه بیشتر به خود متکی و نیازمند ساخته است. اشراف داشتن به ارتباط همه این اجزا با هم، به کلیه بازیگران، به ویژه سیاستگذاران، کمک می کند که با آگاهی بیشتر، شرایط گذار آسان تر از «استخدام» به «کار برای خود» در جامعه را فراهم آورند.

در بخش ۴، ابتدا با ذکر مصادیقی نشان خواهیم داد که چگونه «کار برای خود» به عنوان پدیده ای جدید و کارآمد، مدتی است که در عرصه اقتصاد کشورها ظاهر شده و در سال های اخیر گسترش یافته است. سپس نگاهی خواهیم داشت به جزییات آماده سازی شرایط برای گذاری آسانتر به دوره ای جدید از کار و کسب معاش بر اساس «کار برای خود» و اینکه این اقدامات چه تاثیری بر افراد، جوامع محلی، مشاغل و حرف، دستگاه های اجرایی و دیگر نهادها خواهد داشت. مسلماً نباید انتظار داشت که این فرآیند گذار، تابع نقشه ای دقیق که جزییات آن مو به مو از پیش طراحی شده است باشد. چرا که همانطور که نمونه های موجود از «کار برای خود» نشان می دهد، فعالان این حوزه و نیز راهکارهایی که مسئولین جهت تسهیل فعالیت های نوآورانه این نقش آفرینان محلی اتخاذ کرده اند اشکال متنوعی به خود گرفته است.

این مقدمه را با مطرح کردن یک نکته دیگر به پایان می برم. گاه از من می پرسند، اقتصادی که در آن «کار برای خود» شیوه غالب کسب معاش و تامین نیازمندی های جامعه است چه فرقی با جوامعی که هنوز در آنها «استخدام» شکل غالب کار است خواهد داشت. بسیاری از جزییاتی که می تواند بخشی از جواب به این سوال باشد را در این کتاب آورده ام. مثلاً معتقدم که جوامعی که در آنها «کار برای خود» متداول تر از استخدام باشد، آن جامعه به سوی خوداتکایی بیشتر، نقش آفرینی گسترده تر مردم، تساوی بین زن و مرد، تجهیز بهتر با فناوری های مناسب و کوچک-مقیاس، تعهد بیشتر به کیفیت بالاتر زندگی به جای کمیت بیشتر مصرف، و نظایر اینها سوق می یابد. اما این سوال را اساساً انحرافی می دانم چون من در اندیشیدن در مورد ماهیت کار در جامعه آینده هرگز قصد این را نداشته ام که نقشه ای دقیق از راه و مقصد ارائه دهم. این واقع گرایانه نیست که کسی بخواهد چنین کند. اولاً کسی واقعا از آینده خبر ندارد و آنچه با توجه به تاریخ بشر می توان تحقیقا گفت این است که جامعه

بشری هرگز ایستا نبوده است. و ثانيا، قصد من بیشتر اندیشه پردازی در مورد گامی است که ما می باید همین حالا برای حل مشکلات کنونی برداریم نه اینکه بخواهم جزییات دقیق جامعه آینده را مو به مو برای خواننده ترسیم کنم. به عبارت دیگر، هدف از نگارش این کتاب تبیین جهت حرکت است و نه تعیین منازل میان راهی و نه توصیف مقصد.

بخش ۱: بعد از «عصر استخدام» چه خواهد آمد؟

در این بخش سه سناریوی پیشنهاد شده برای آینده توسعه در جوامع صنعتی را بررسی می کنیم. ویژگی های کلیدی کار در عصر استخدام را بررسی می کنیم و پیشنهاد می کنیم که این ویژگی ها می باید به عنوان بخشی از پیشرفت تمدن بشری و عبور از عصر صنعت به عصر بعدی تغییر یابد. با در کنار هم گذاشتن ویژگی های کلیدی این سه سناریو در خصوص انرژی، فناوری، محیط زیست، آموزش و پرورش و آموزش عالی و دسترسی به سرمایه و زمین و نظایر اینها تصویری قیاسی از آینده جوامع با هر یک از این سناریو ها را ارائه می دهیم.

www.eabbassi.ir

در مقاطعی از تاریخ نظیر مقطع کنونی که قطعیت زیادی در مورد آینده وجود ندارد، تصور مردم در مورد آینده بسیار متفاوت است. در حال حاضر، با استناد به نظریاتی که توسط صاحب نظران مختلف مطرح شده است، حداقل سه سناریو را می توان در مورد آینده در ارتباط با توسعه و ماهیت کار تصور کرد: ۱) ادامه شرایط فعلی، یعنی توسعه صنعتی و نوع غالب کار، یعنی «استخدام»، با تمام خصوصیات فعلی و نارسایی هایش ادامه می یابد. ۲) اقتصاد و توسعه صنعتی در جوامع به گونه ای شتاب و گسترش می یابد که با فناوری های فوق پیشرفته صنعتی، نیاز به نیروی انسانی کاهش خواهد یافت به طوری که یک اقلیت کارگر می تواند نیازهای یک اکثریت مصرف کننده را تامین کند. به این سناریو در توسعه با عباراتی چون «توسعه صنعتی شتاب یافته» یا «جامعه فارغ از کار» اشاره شده است. و ۳) جامعه ای که در آن «کار برای خود» شیوه غالب کسب معاش است و در آن جهتی کاملا جدید برای توسعه انتخاب می شود. در این جهت گیری جدید، جوامع به جای راه حل های صرفا صنعتی و تجاری، گزینه هایی عقلانی، انسانی و متناسب با شرایط بومی خود را جایگزین می کنند.

برای مقایسه دو سناریویی که تغییر و فاصله گرفتن با روال کنونی را مدّ نظر دارد می توان نکات زیر را افزود. جامعه فارغ از کار آینده جامعه ای فوق صنعتی است، جامعه ای که بر اتکا به فناوری های بزرگ و دانش تخصصی در هر زمینه تاکید دارد. در واقع جامعه فارغ از کار، ادامه جامعه صنعتی است که روند صنعتی شدن در آن تسریع شده باشد. یکی از نظریه پردازان این نگرش، «هرمان کان»^۴ بر این باور است که توسعه صنعتی در ۲۰۰ سالگی خود به میانه راه رسیده است و ۲۰۰ سال دیگر برای رفتن دارد تا تکمیل شود.

سناریوی دیگر بر این نظر استوار است که روند فعلی تسریع نشود بلکه جهت حرکت جوامع به کلی تغییر یابد. بر اساس نظر صاحب نظران این چشم انداز، انقلاب صنعتی قابلیت بشر برای کنترل و مهار کردن عالم ماده را به طرز چشمگیری افزایش داده است و در مدتی که توسعه صنعتی ادامه داشته است، پیشرفت های عظیمی در حمل و نقل ارتباطات، انرژی، تولید انواع کالاها و نیز سازماندهی در زمان جنگ و صلح به ارمغان آورده است. اما حال که بشریت به جامعه ای پسامدرن^۵ پا می گذارد، انقلابی به همان اندازه چشمگیر در حوزه ای دیگر از توسعه و تکامل جامعه بشری متصور است. این نوع توسعه عمدتاً در ارتباط با روح و روان آدمی و قابلیت های اجتماعی او رخ خواهد داد. اینگونه پیشرفت، توانایی بشر برای همزیستی با یکدیگر را افزایش خواهد داد. در عصر صنعت نیز به واسطه تغییرات تکنولوژیکی شاهد تغییرات اجتماعی بسیاری بوده ایم، اما در عصر جدید، تغییر و اصلاحات اجتماعی برای دستیابی به توسعه از نوعی که در بالا به آن اشاره شد، یعنی توسعه مبنی بر گزینه های عقلانی، انسانی و مطابق با شرایط بومی، رخ خواهد داد. ارزش های کلیدی این دو چشم انداز در زیر، جهت مقایسه، فهرست وار می آید.

جامعه فارغ از کار	جامعه «کار برای خود»
ارزش ها و اهداف کمی	ارزش ها و اهداف کیفی
رشد اقتصادی	توسعه انسانی
ارزش ها و اهداف سازمانی	ارزش ها و اهداف فردی و بین-فردی
ارزش های پولی	نیازهای واقعی و آرمانی

⁴ Herman Kahn

⁵ post-modern

روابط اقتصادی مبتنی بر قرارداد	روابط مبتنی بر مبادلات دو طرفه
ارتباطات اجتماعی سرد و غیر شخصی ^۷	مفاهمه ^۶
اولویت های مردانه	اولویت های مادرانه
تخصص گرایی در آموزش و عجز غیر متخصصین	آموزش مهارت های جامع
فن سالاری ^۸ و وابستگی به فناوری ها	خوداتکایی
تمرکزگرایی و برنامه ریزی از راه دور	محلی
شهری	سراسر کشور
اروپایی	جهانی
با محوریت انسان مصرف گرا	با محوریت حفاظت از طبیعت فراهم کننده

این دو چشم انداز متفاوت از آینده که تا کنون نمونه هایی از آنها در برخی از کشورها شکل گرفته است مسلماً مباحث مرتبط با اقتصاد و کار را تحت تاثیر قرار خواهد داد. در ادامه، برای ارائه تصویری قیاسی از جامعه احتمالی بشر در آینده، پیامدهای مرتبط با هر یک از حوزه های مختلف جامعه را در ارتباط با این دو چشم انداز و سناریوی «ادامه توسعه صنعتی» می آوریم.

www.eabbassi.ir

⁶ empathetic

⁷ detached

⁸ technocracy

سه آینده احتمالی جامعه بشری

توسعه با گزینه های عقلانی، انسانی و متناسب با شرایط بومی	توسعه صنعتی شتاب یافته	ادامه توسعه صنعتی به شکل کنونی	
<p>هدف دستیابی به اشتغال استخدامی دنبال نمی شود. مقوله کار با تعریفی جدید گسترش می یابد و لذا علاوه بر کار در ازای دستمزد از طریق رابطه ای استخدامی، اشکال متنوعی از فعالیت های مفید و با ارزش به وجود خواهد آمد. توزیع کار برای دستمزد و یا بدون دستمزد برای تمامی اقشار و گروه ها برابر خواهد بود. کار پاره وقت بیشتر از کار تمام وقت متداول است. الگوهای کار، متناسب با شرایط و یا آنچه افراد ترجیح می دهند، از تنوع بالاتری برخوردار خواهد بود. خانوارها و محله ها به عنوان جایگاه اصلی کار و تولید شناخته خواهد شد. زن، مرد، پیر و جوان جایگاهی محترم و با ارزش در دنیای کار خواهند داشت. کار و تفریح در بسیاری از موارد همپوشانی خواهد داشت.</p>	<p>هدف دستیابی به اشتغال استخدامی برای همگان دنبال نخواهد شد. تمام کارهای لازم در جامعه توسط گروهی نسبتاً کوچک از برگزیدگان نخبه و حرفه ای با تجهیزات کاملاً مکانیزه و پیشرفته انجام می شود. دیگر اعضای جامعه به کار مشغول نخواهند بود. ایشان صرفاً مصرف کننده کالاها و خدماتی هستند که گروه اول ارائه می کند، که شامل انواع خدمات تفریحی و سرگرم کننده، اطلاعات و آموزشی نیز می باشد. اساساً جامعه، از نظر کار، به دو بخش «شاغل» و «فارغ از کار» تقسیم می شود.</p>	<p>هدف استخدام کامل تمامی طالبین کار دنبال خواهد شد و کار از طریق استخدامی (کار کردن برای غیر و دریافت دستمزد) نوع غالب کار و کسب معاش باقی خواهد ماند. دیگر فعالیت ها (مثل کار منزل، مراقبت از سالمندان توسط اعضای خانواده و فامیل، انواع کارهای عام المنفعه و داوطلبانه) طبق معمول امروز، از احترام و شان نازل تری برخوردار خواهد بود. شکاف عمیق کنونی بین آموزش برای نسل جوان، مهارت های مورد نیاز بزرگسالان، و بازنشستگی و بیکاری برای سالمندان باقی خواهد ماند. مرز مشخص و پرننگی که امروزه بین کار و تفریح وجود دارد نیز ادامه می یابد.</p>	کار

توسعه با گزینه های عقلانی، انسانی و متناسب با شرایط بومی	توسعه صنعتی شتاب یافته	ادامه توسعه صنعتی به شکل کنونی	
<p>جامعه به همه شهروندان خود درآمدی پایه می پردازد. این از جمله حقوق شهروندی افراد محسوب خواهد شد. این درآمد پایه به آنان کمک می کند که برای کسب درآمد بیشتر (یا ادامه دریافت دستمزد پایه) فعالیت های کاری خود را انتخاب کنند. افرادی که به علت فعالیت های بسیار درآمد زا، از دریافت درآمد پایه بی نیازند، از طریق مقررات مالیاتی این درآمد را به جامعه بازمی گردانند.</p>	<p>گروه ماهر که کار تولید را به عهده دارد دستمزدی بالا دریافت می کند. نظریه پردازان این سناریو هنوز دقیقاً مشخص نکرده اند که اعضای گروه مصرف کننده از چه منابعی تامین مالی خواهد شد؟ از طریق پرداخت سهم به افراد بابت ملی کردن کلیه منابع تولید؟ از طریق درآمدهای مالیاتی؟ یا از طریق پرداخت دستمزد برای کارهای بسیار پیش پا افتاده؟</p>	<p>کار در ازای دستمزد شیوه غالب خواهد ماند. جامعه درآمدی ناچیز برای بیکاران در نظر خواهد گرفت، اما به این افراد غالباً با دیده ای تحقیر آمیز خواهند نگریست.</p>	<p>درآمد نقدی</p>

	ادامه توسعه صنعتی به شکل کنونی	توسعه صنعتی شتاب یافته	توسعه با گزینه های عقلانی، انسانی و متناسب با شرایط بومی
فناوری	<p>رویکرد «فناوری برای فناوری» ادامه می یابد. به این معنی که توسعه فناوری های جدید صرفاً برای اینکه توسعه این فناوری ها از نظر دانشمندان و طراحان آنها چالش جالبی محسوب می شود و اینکه از منظر سیاستگذاران، نویدبخش حل مسایل توسعه و از منظر سرمایه گذاران و تولید کنندگان صنعتی، سودآور تلقی خواهند شد، ادامه می یابد. از سوی دیگر، نارضایتی عمومی و مخالفت با بسیاری از فناوری های جدید به لحاظ انواع آلودگی های محیطی، استفاده اسرافکارانه از منابع طبیعی، پیامدهای نامطلوب اجتماعی، و خطر آفرینی برای مردم و محیط زیست ادامه خواهد یافت.</p>	<p>تلاش انسانی و منابع بسیار بیشتری برای امر توسعه صنعتی تخصیص خواهد یافت. جامعه خواهد پذیرفت که تمامی مسایل را می توان با ابتکار در فناوری های صنعتی حل کرد و لذا به این رویکرد در حل مسایل در جمیع حوزه ها اولویت بیشتری داده می شود. تصمیمات نخبگان علمی و فناوری نقطه اتکای جامعه قرار خواهد گرفت. فناوری، ارباب جامعه قرار خواهد گرفت و هر گونه مخالفتی با این رویکرد کاملاً صنعتی بسیار ضعیف خواهد بود.</p>	<p>توسعه و توزیع برخی فناوری های نوین در اولویت قرار می گیرد. این فناوری ها شامل اختراعاتی خواهد بود که ظرفیت های کاری مردم را افزایش می دهد تا کار بیشتری برای یکدیگر انجام دهند و اتکای کمتری به متخصصین داشته باشند. تاکید بر فناوری های کوچک- مقیاس که بتواند در سطح خانواده، محله شهری، یا روستا خریداری و مورد استفاده مردم قرار گیرد بیشتر خواهد بود. این سناریو ضد صنعت یا فناوری نیست. در واقع صنعت رل مهمی خواهد داشت، اما تکنولوژی در جایگاه خدمتگزار ایفای نقش خواهد کرد و نه ارباب.</p>

توسعه با گزینه های عقلانی، انسانی و متناسب با شرایط بومی	توسعه صنعتی شتاب یافته	توسعه صنعتی به شکل کنونی	
<p>مهم ترین حوزه های رشد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی در بخش غیر رسمی اقتصاد رخ خواهد داد. انرژی شهروندان در ایجاد ثروت و آسایش برای خود و دیگران در محدوده خانوار، محله شهری و روستا مصروف خواهد شد. با به وجود آمدن فرصت های رضایتبخش شغلی برای تعداد کثیری از مردم در سطح محلی، مسئله بیکاری و دیگر موانعی که هم اکنون سد راه بهینه سازی اقتصاد رسمی است از میان برداشته خواهد شد. در بخش رسمی اقتصاد، کسب و کارهای محلی و کوچک بخش رو به رشد خواهد بود. روستاها و محله های شهری از خوداتکایی بیشتری برخوردار خواهند بود برای اشتغال، اتکای کمتری به محیط بیرون خواهند داشت.</p>	<p>رشد اقتصادی فقط از طریق تمرکز بر تولید فناوری های بسیار پیچیده و ارائه خدمات بسیار حرفه ای و تخصصی تحقق می یابد. ثروتی که بتواند نیازهای جامعه را تامین کند تنها از این طریق تولید خواهد شد. شرکت های چند ملیتی جایگاهی به مراتب تثبیت یافته تر و مسلط تر بر اداره امور پیدا خواهند کرد. فعالیت های تعریف شده در چارچوب توسعه شتاب خواهد شد. ارزشمند تلقی خواهد شد.</p> <p>www.eabbassi.ir</p>	<p>هدف دستیابی به رشد اقتصادی دنبال خواهد شد. ثروتی که از طریق فعالیت انواع صنایع و خدمات تجاری تولید می شود اعتبارات خدمات عمومی دولت ها را تامین خواهند کرد. اقتصادهای صنعتی سیطره خود را به شکل فعالیت های شرکت های سهامی عام و خاص ادامه خواهد داد. مشاغلی که در چارچوب فعالیت های صنعتی تعریف شده اند تنها فعالیت های اقتصادی قابل احترام و با ارزش جامعه محسوب خواهد شد و دیگر فعالیت های اقتصادی شأنی نازل تر خواهد داشت.</p>	<p>اقتصاد</p>

توسعه با گزینه های عقلانی، انسانی و متناسب با شرایط بومی	توسعه صنعتی شتاب یافته	ادامه توسعه صنعتی به شکل کنونی	
<p>با تمرکز هر چه بیشتر فعالیت های چندگانه مردم، مثل کار، اوقات فراغت، یادگیری و همنشینی با و پرستاری از دیگران که در محیط خانه متمرکز می شود، نیاز به فضا و امکانات در منازل بالا خواهد رفت. شیوه های کنونی طراحی خانه ها، روش های منطقه بندی در شهرسازی و مقرراتی که امروزه در این حوزه رعایت می شود ناسازگار و نامتناسب با عصر جدید خواهد بود. تعداد بیشتری از مردم در طراحی خانه های خود و محیط پیرامونی آن مشارکت خواهند کرد. خانه ها به صورت خوشه ای و نزدیک به هم ساخته می شوند و چند خانوار با هم در یک سازه به طور تعاونی و مشارکتی زندگی می کنند.⁹ جوامعی که در این سناریو میل به سوی خوداتکایی و خودکفایی بیشتر دارند، کمبود فضا و زمین برای تجمیع کلیه فعالیت های زندگی در یک محل را با نقل مکان کردن به خارج از شهرها پاسخگو خواهند بود.</p>	<p>فرارسیدن جامعه فارغ از کار همراه با امکانات فراهم آمده در عصر اطلاعات، شکل بناها و شهرها را تغییر خواهد داد. مردم اوقات فراغت بیشتری برای گذراندن در خانه و یا در تاسیساتی چون اماکن ورزشی و نیز در جاده ها برای مسافرت خواهند داشت. نیاز جامعه به این تاسیسات و امکانات، تقاضا برای فضا را افزایش می دهد. مشخص نیست که این تقاضای فزاینده برای اینگونه تاسیسات در بافت های متراکم شهری به چه صورت پاسخ داده خواهد شد.</p>	<p>الگوهای صنعتی و شهری در سبک زندگی، اشتغال و جابجایی ادامه می یابند. محل تولید و محل زندگی مردم کماکان از هم جدا خواهد بود. تفکر غالب در برنامه ریزی ها که مردم از خانه فقط برای اوقات فراغت و فعالیت های مصرفی بهره خواهند برد ادامه می یابد و لذا طراحی خانه ها تابع این اندیشه خواهد ماند. زمین، تاسیسات و لوازم و ابزار مورد نیاز برای کار شهروندان مثل گذشته عموماً توسط استخدام کنندگان فراهم خواهد شد.</p>	<p>برنامه ریزی و مسکن</p>

⁹ در چند دهه اخیر، اسکان تعاونی خانواده ها در کشورهای صنعتی بالا گرفته است. این نوع زندگی، به ویژه برای خانواده های جوان بچه دار و زوج های سالمند، از جذابیت بالاتری برخوردار بوده است. اعضای این دو گروه توانسته اند با مشارکت در محیط زندگی، نیازهای مشترکشان را با کمک یکدیگر مرتفع کنند. این تجربه عملاً نشان داده است که با در نظر گرفتن سلیقه ها و فناوری های امروز، می توان مجموعه های مسکونی زیبا و کارآمدی ساخت. برای اطلاع بیشتر و مشاهده تصاویری از این نوع زندگی مشارکتی و پیشرفته («پیشرفته» به معنی سازگاری با نیازهای امروز و با هدف بهبود کیفی زندگی) به سایت زیر نگاه کنید.
http://www.cohousing.org/what_is_cohousing

ادامه توسعه صنعتی به شکل کنونی	توسعه صنعتی شتاب یافته	توسعه با گزینه های عقلانی، انسانی و متناسب با شرایط بومی
ترافیک موتوری و الگوهای حمل و نقل فعلی به همین شکل ادامه پیدا خواهد کرد.	اگر چه نیاز به رفت و آمد از محل زندگی به محل کار کاهش خواهد یافت. اما به علت افزایش اوقات فراغت، نیاز مردم به سفر بیشتر خواهد شد.	نیاز برای رفت و آمد بین منزل و محل کار در این مورد نیز کاهش خواهد یافت اما این کاهش لزوماً به افزایش نیاز برای سفرهای تفریحی منجر نخواهد شد..

ادامه توسعه صنعتی به شکل کنونی	توسعه صنعتی شتاب یافته	توسعه با گزینه های عقلانی، انسانی و متناسب با شرایط بومی
الگوهای کنونی توسعه و مصرف انرژی ادامه خواهد یافت. هر گونه تغییر عمدتاً در واکنش به تغییرات در قیمت و توازن عرضه و تقاضا انجام خواهد گرفت.	تقاضا برای انرژی افزایش می یابد. اتکا به منابع متمرکز، پرفناوری و پرهزینه، مثل انرژی هسته ای، افزایش خواهد یافت. چند مرکز انگشت شمار بزرگ، نیاز کل جامعه مصرف کننده انرژی را تامین خواهد کرد.	الگوهای کم مصرف انرژی در کار، منزل و در حمل و نقل، همراه با اشاعه روش های بهینه تر مصرف انرژی، تقاضای جامعه برای انرژی را کاهش می دهد. تولید انرژی به صورت غیر متمرکز انجام خواهد شد. مصرف کنندگان در سطح منطقه، روستا، محله شهری، و حتی در سطح خانوار، تمایل بیشتری به رسیدن به خوداتکایی در انرژی دارند. با تولید انرژی در سطح محلی و با اتکا به فناوری های روز، مانند پانل ها و آبگرم کن های خورشیدی، نیاز مردم به وارد کردن انرژی از خارج از محیط منتفی است.

توسعه با گزینه های عقلانی، انسانی و متناسب با شرایط بومی	توسعه صنعتی شتاب یافته	ادامه توسعه صنعتی به شکل کنونی	
<p>پیرو الگوی تولید و مصرف انرژی، در این مورد نیز تمایل جوامع به سوی خوداتکایی و خودکفایی محلی خواهد بود. تعداد بیشتری از افراد مسئولیت تولید غذای خانوار خود را خود به عهده می گیرند. تولید غذا از حالت متمرکز فعلی آن خارج شده و مسافتی که غذا باید طی کند تا به سفره برسد به مراتب کوتاه تر خواهد شد. تعاونی های مرتبط با غذا رشد می کنند. خرید و توزیع غذا به صورت مشارکتی در میان خانوارها باب می شود.</p>	<p>همانند سناریوی قبل، اما با شدت و گسترش بیشتر، غذا از طریق فناوری های کشاورزی و صنایع غذایی تولید می شود. مثلا، گونه های فوق مولد انواع دام و محصولات زراعی ابداع می شود. سعی می گردد از طرق مصنوعی خواص غذاها را با افزودن چیزهایی چون ویتامین ها بهبود بخشند. مردم بیشتر در خارج از منزل، در رستوران ها غذا می خورند. با گسترش بازار مرتبط با اوقات فراغت، رستوران های زنجیره ای غذاهای موسوم به فست فود نیز گسترش می یابد.</p> <p style="text-align: center;">www.eabbassi.ir</p>	<p>الگوهای تولید، فرآوری، توزیع، و مصرف غذا با سلطه هر چه بیشتر شرکت های بزرگ چندملیتی در کشاورزی شیمیایی و کشت و صنعت، صنایع غذایی و سوپرمارکت های زنجیره ای ادامه خواهد یافت.</p>	<p>غذا</p>

	ادامه توسعه صنعتی به شکل کنونی	توسعه صنعتی شتاب یافته	توسعه با گزینه های عقلانی، انسانی و متناسب با شرایط بومی
تعلیم و تربیت و آموزش آلی	<p>ارائه آموزش ها در موسسات آموزشی به دست مدرسین حرفه ای ادامه پیدا می کند. مخاطبین عمدتاً نسل جوان خواهد بود که مطابق روال کنونی تا سن خاصی از ورود به بازار کار تمام وقت بازنگهداشته می شوند. هدف اصلی این نظام کماکان اعطای مدرک خواهد بود که به دانشجویان سند لازم برای دستیابی به یک کار و مجوز ورود به توده های کارمندی/کارگری از یک سو، و توده های مصرف کننده، از سوی دیگر را می دهد. معیار تحصیلات به اعتبار مدرکی است که دانشجوی می گیرد و درهایی که این مدرک در بازار کار به روی وی می گشاید.</p>	<p>آموزش عمدتاً به دو شاخه تقسیم خواهد شد. شاخه اول داوطلبین را برای عضویت در گروهی آماده می کند. از این طریق دانش آموختگان نهایتاً برای پیوستن به حرفه مندان صاحب کار در بخش تولیدی جامعه آماده می شوند. شاخه دوم آموزشی داوطلبین را برای استفاده بهتر از اوقات فراغت خود آماده می کند. جایگاه اجتماعی تحصیلات نوع دوم البته پایین تر است. هر دو نوع این تحصیلات به دوره خاصی از زندگی فرد تعلق ندارد بلکه در تمام عمر می توان از آنها بهره برد. در جامعه ای که در آن تاکید بر فناوری های پیچیده، اوقات فراغت و اطلاعات است، آموزش از صنایع پراهمیت و سریع رشد ترین بخش های جامعه خواهد بود. فرصت های شغلی برای مدرسین حرفه ای در انواع موضوعات و مهارت ها بیشتر خواهد بود.</p>	<p>هدف آموزش ایجاد قابلیت انجام انواع فعالیت های مورد نیاز مردم خواهد بود. شهروندان می توانند انواع مهارت ها، از جمله مهارت های زندگی، را بیاموزند. این آموزش ها فقط به مهارت های مرتبط با تکنیک محدود نمی شود، بلکه طیف بسیار وسیعتری از آموزه های مرتبط با حوزه های مادی، معنوی، بین-فردی (اخلاقی-اجتماعی) و عاطفی، را در بر خواهد گرفت. آموزش ها بیشتر با هدف مهارت آموزی به نسلی طراحی شده است که لازم است برای انجام کار پاره وقت به منظور کسب درآمد از یک سو و انجام مجموعه متنوعی از دیگر فعالیت ها برای کمک به خود و دیگران (خانواده، همسایگان و غیره) از سوی دیگر آماده شود. تاکید بیشتر بر آموزش عملی تحت نظارت استادکار با تجربه خواهد بود تا بر تدریس کلاسی و نظری آموزه ها به دست مدرسین حرفه ای.</p>

توسعه با گزینه های عقلانی، انسانی و متناسب با شرایط بومی	توسعه صنعتی شتاب یافته	ادامه توسعه صنعتی به شکل کنونی	
<p>مسئولیت پذیری بیشتر افراد برای حفظ سلامتی خود، موجب انگیزه بیشتری برای آحاد مردم در جهت پاکیزه و بهداشتی نگه داشتن محیط فیزیکی و اجتماعی در جامعه به وجود خواهد آمد. اولویت بیشتری به تغذیه، سلامت عمومی و کاستن از فشارهای روانی بیماری زا داده خواهد شد. کمک های متقابل برای پیشگیری، درمان و پرستاری از بیماران در بین همسایگان و خویشاوندان از شان بالاتری در مقایسه با اتکای صرف بر تخصص حرفه مندان بخش سلامت برخوردار خواهد بود. مردم فرا خواهند گرفت که چگونه با خطراتی که متوجه سلامتی آنهاست و یا دوران های پرفشار زندگی خود روبرو شوند تا کمتر به بیماری مبتلا شوند. به طور خلاصه، تغذیه و مراقبت از سلامتی، در مقایسه با چیزی که بیشتر به «دخالق قهرمانانه برای نجات بیمار» در عصر حاضر ظهور کرده است، دست بالا را خواهد داشت.</p>	<p>فناوری پزشکی انواع راه حل ها را برای مجموعه متنوعی از بیماری ها ارائه خواهد کرد: مثل غربالگری ژنتیکی،¹⁰ پیوند اعضا و داروهای جدید. رصد زندگی مردم توسط سیستم های رایانه ای تضمین می کند که احتمال بیماری های مادرزادی به حداقل برسد. با کمک همین سامانه های الکترونیکی، پزشکان با سرعت بالاتری مسایل بیماران خود را حل می کنند. در نظام خدمات درمانی جدید، حل مسایل بیشتری وارد حوزه کارشناسی اطباء می شود. مثلاً افرادی که عزیزی را از دست داده اند و داغدار اند و یا نوع دیگری از مسایل آنها را ناراحت و محزون کرده است نیز با مراجعه به پزشک چاره جویی می کنند. اگر چه احتمالاً توجه به ترویج بهداشت و سلامتی در جامعه به منظور پیشگیری از بیماری نیز توجه بیشتری به خود جلب خواهد کرد، اما سلطه نیرومند تر نخبگان و فناوران بخش درمان ادامه توجه به درمان و نه پیشگیری را در صدر اولویت های این بخش نگه خواهد داشت.</p>	<p>هم افراد و هم جامعه هر دو اولویت کمتری به ترویج سلامتی در جامعه خواهند داد و بیشتر، طبق روال کنونی، به سوی درمان تمایل خواهند داشت. خدمات بهداشتی اساساً با هدف ارائه خدمات به بیماران طراحی می شود. این تصور عمومی که سلامتی را باید از رجوع به خدمات بیمار-مدار و خریداری دارو و مصرف آن انتظار داشت همانند سابق بر افکار عمومی مسلط خواهد بود. بحث اصلی در مورد این بخش مثل سابق، به این مناظره محدود می شود که آیا این خدمات مطلوب تر است که توسط بخش خصوصی ارائه شود یا بخش دولتی.</p>	<p>سلامتی</p>

¹⁰ Genetic screening

توسعه با گزینه های عقلانی، انسانی و متناسب با شرایط بومی	توسعه صنعتی شتاب یافته	ادامه توسعه صنعتی به شکل کنونی	
<p>تغییر جهت کامل به سوی غیر متمرکز کردن تولید کالاها و ارائه خدمات و تاکید بیشتر به ترویج یاریگری در جامعه. ادغام کار برای درآمد با دیگر جنبه های زندگی که برای همه معنی آفرین خواهد بود. ارزش های مرتبط با رشد روحی- روانی، پرورش سالم نسل بعد (که بیشتر از دغدغه های مادران است) و پایداری طبیعت. عملکردها مبتنی بر تجربه عملی و نه تشخیص تخصصی. تاکید بیشتر بر مکاشفات درونی در یادگیری و رشد.</p>	<p>مصرف توده ای و تفریح توده ای. ادامه اتکا به نهادها. اتکای بیشتر بر فناوری و نخبگان. نوعی شیزوفرنی اجتماعی: گروه اقلیت کارگر، سخت کوش، مسئولیت پذیر، با انگیزه بالا از یک سو، و توده های بی مسئولیت و فارغ از هر گونه دغدغه، از سوی دیگر. ارزش های مرتبط با فناوری در صدر ارزش ها. در این سناریو، نسبت به سناریوی پیشین تاکید بیشتر بر ارزش های سازمانی، فردگرایی و عدم توجه به طبیعت و پایداری آن دیده می شود.</p> <p>www.eabbassi.ir</p>	<p>اشتغال توده ای و مصرف توده ای. اتکا به نهاد ها برای ایجاد شغل، تولید کالاها و ارائه خدمات. ارزش های سازمانی، فرد-محور و فقدان توجه کافی به پایداری طبیعت. حل مسایل با رویکردهای ابزاری و دخالت آمیز. تفکر تحلیلی و جزء نگر.</p>	<p>اصول و ویژگی های برجسته</p>

فصل ۲: تست واقع‌گرایی سه سناریو

مسئله با نگاهی میان‌مدت در چند دهه آتی، اقتصاد و کار، ترکیبی از هر سه سناریو خواهد بود. نظر من این است که با تست واقع‌گرایی این سه سناریو در درازمدت، ناگزیر سناریو سوم را واقع‌گرایانه‌ترین پیش‌بینی‌ها خواهیم یافت. بیایم برای سهولت و دقت در تحلیل، اقتصاد را به چهار بخش تقسیم کنیم: ۱) صنایع بزرگ، شامل شرکت‌های بزرگ با سرمایه‌های کلان و تجهیزات و فناوری‌های پیشرفته در حوزه استخراج نفت و دیگر مواد کانی، پتروشیمی، اتومبیل‌سازی، کشتی‌سازی و غیره، ۲) بخش خدمات، شامل شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات تجاری، بانک‌ها، بیمه‌ها و خدمات عمومی مثل خدمات درمانی و آموزشی، ۳) کسب و کارهای کوچک، شامل انواع مشاغل تولیدی و تجاری کوچک و محلی و فعالیت‌های عام‌المنفعه و داوطلبانه که توسط انجمن‌های مردمی محلی صورت می‌گیرد و ۴) فعالیت‌های محله‌ای و خانگی. این بخش آخر، که در سال‌های اخیر شاهد رشد بی‌سابقه‌ای بوده است، شامل نه تنها کارخانه مثل آشپزی و نظافت و بچه‌داری در منزل توسط یکی از والدین می‌شود، بلکه دیگر خدماتی که ثمرات آن هم اعضای خانوار و هم تعدادی از همسایگان را تحت پوشش قرار می‌دهد را نیز در بر می‌گیرد. این فعالیت‌ها شامل باغچه‌کاری برای تولید محلی انواع سبزیجات، خدمات تعمیر انواع وسایل، ادوات و ماشین‌آلات سبک و سنگین، و خدمات پرستاری از مریض و سالمند و دیگر خدمات بالینی بوده است.

شواهد موجود به روشنی نشان می‌دهد که در آینده، احتمال ایجاد اشتغال و کسب درآمد در دو بخش آخر به مراتب از دو بخش اول بیشتر خواهد بود. در ارتباط با بخش اول، رقابت بین المللی در تجارت، برای این بخش چاره‌ای جز به سوی نوآوری در فناوری‌ها به منظور بالا بردن بهره‌وری و کاهش نیاز به نیروی انسانی نگذاشته است. لذا برای ایجاد اشتغال توده‌ای در سطح جامعه به شکلی که هم اکنون نیاز آن وجود دارد، چشم دوختن به این بخش عقلانی و منطقی نیست. در بخش خدمات نیز، به رغم روند افزایشی در سال‌های اخیر، می‌باید پذیرفت که در این بخش نیز ظرفیت اشتغالزایی با محدودیت‌هایی جدی روبروست. اگر حتی جوامع امروز قادر به بازآموزی همه از کار بیکار شده‌های بخش صنعت باشند، بخش خدمات قادر نخواهد بود که به تنهایی برای بیکاران فعلی و نسل جدید داوطلبین کار، اشتغال ایجاد کند. پس می‌ماند دو بخش آخر، یعنی مشاغل خرد و محلی و فعالیت‌های خانگی و محله‌ای.

رشد قابل توجهی که این مشاغل در سال های اخیر به خود دیده اند خود گواهی بر واقع گرایانه تر بودن امید بستن به این بخش است. در مورد این بخش ها و اینکه چرا رشد اخیر آنها سناریوی سوم را بیش از دو سناریوی اول واقع بینانه تر می کند در پایین توضیحات بیشتری خواهید یافت.

در اینجا کمی بیشتر در مورد عدم واقع گرایی سناریوی دوم صحبت کنیم. اینکه جامعه به دو بخش، یعنی گروه نسبتاً قلیلی از کارگران و کارمندان فوق متخصص و مجهز به عالی ترین فناوری ها از یک سو و توده های بیکار فارغ از نیاز به کار از سوی دیگر، تقسیم شود با شناخت ما از جامعه انسانی جور در نمی آید. چه کسانی حاضر خواهند بود که خود را داوطلبانه در زمره گروه زحمتکش جامعه قرار دهند تا وسایل رفاه، تفریح و خوشگذرانی توده های عظیم بیکار جامعه را فراهم کنند؟ وانگهی، اگر چنین اتفاقی نیز بیفتد، کاملاً متصور است که گروه هایی از جمعیت مرفه و فارغ از نیاز به کار، برای مبارزه با بی حوصلگی ناشی از بیکاری، اقدام به انجام کارهای مولد در منزل کنند. در این صورت، آنها خود بخود در دو بخش آخری بخش های چهارگانه ای که در بالا برشمردم قرار خواهند گرفت. از سوی دیگر، تا کنون سوالات بغرنجی در مورد چگونگی تامین مالی این خیل عظیم بیکار که مرتب به سفر و خوشگذرانی و ورزش و دیگر فعالیت های سرگرم کننده مشغول خواهد بود مطرح شده است اما پاسخ قابل قبولی فعلاً از سوی طرفداران این سناریو ارائه نشده است.

همانطور که در بالا نیز به آن اشاره شد، واقع گرایانه ترین احتمال برای آینده کار این است که ترکیبی از هر سه، یعنی کار برای غیر در ازای دستمزد (استخدام)، «اوقات فراغت» و «کار برای خود» هر سه در کنار هم باشند. اما در هر صورت، در سه حوزه زیر انجام اصلاحات به منظور بهبود شرایط کار ضروری است: (۱) در حوزه بهینه سازی کار، به این معنی که شرایط کار برای کارکنان و توزیع عادلانه تر مشاغل موجود در سطح جامعه می باید بهبود یابد، (۲) شرایط و امکانات بهتر برای گذراندن اوقات فراغت در جامعه برای همگان فراهم باشد، و (۳) توسعه وسیع فرصت ها و شرایط مناسب برای «کار برای خود» تسهیل شود. به نظر می رسد که دستیابی به بهبود شرایط در حوزه آخر، به احتمال بسیار قوی، امکان بهبود شرایط در دو حوزه اول را نیز افزایش خواهد داد.

توضیح اینکه، تسهیل گسترش فرصت های «کار برای خود» بی شک از فشارهای کنونی بر صنایع بزرگ برای ایجاد شغل برای عموم مردم خواهد کاست و لذا به این بخش اجازه می دهد که بهتر بتواند در سطح بین المللی رقابت کند. از سوی دیگر، فشارهای موجود بر بخش خدمات برای تامین شغل برای نسل جدیدی از بیکاران و بیکار شده های بخش صنعت نیز کاهش می یابد. در ضمن، از فشارهای کنونی بر بخش دولتی که معمولاً خود را موظف به تامین اعتبارات برای برخی از هزینه های مرتبط با ایجاد فرصت های شغلی در بخش خدمات و در صنایع بزرگ می داند خواهد کاست. یکی از نتایج مثبت این تحول در بخش خدمات این خواهد بود که با درگیر شدن مردم در امر پرستاری از بیماران و سالمندان در محل، سازمان های مرتبط با خدمات درمانی می توانند منابع و توجه خود را معطوف به ارائه خدمات تخصصی کنند، مثل اجرای انواع عمل های جراحی و مراقبت ویژه از بیمارانی که نیازمند به تخصص بیشتری هستند، یعنی نوعی از مراقبت که از عهده پرستاران و مراقبت کنندگان محلی خارج است. از سوی دیگر، با کمک به افزایش فرصت های «کار برای خود»، رضامندی افراد در سطح جامعه به تبع بیشتر خواهد شد چرا که می توانند در محل زندگی خود به کار و کسب معاش مشغول شوند بدون اینکه خود را وابسته و متکی به دو بخش صنعت و خدمات و به برنامه های تامین اجتماعی دولت ها حس کنند.

www.eabbassi.ir

به بیان دیگر، کمک به ایجاد فرصت های «کار برای خود» در محله ها و در خانوارها، پیش شرط موفقیت آینده سازمان های بزرگ در بخش صنعت و خدمات و نیز برای دولت های خدمتگزار را فراهم می کند. در واقع برای هر چه بیشتر رقابت پذیرتر کردن کشورها در عرصه تجارت بین المللی، تحولی غیر از این در حال حاضر متصور نیست.

در فصل بعد به بررسی برخی ویژگی های کار استخدامی می پردازیم که در فرآیند تکامل عصر صنعت به وجود آمده است. با روشن شدن پیش زمینه استخدام در عصر صنعت، ویژگی های مطلوب دنیای کار در آینده بیشتر آشکار می شود.

فصل ۳: عصر استخدام

ایجاد کار از طریق استخدامِ روش غالب در سازماندهیِ اشتغال در عصر صنعتی بوده است. در هیچ جامعه غیر صنعتی در حال حاضر و در هیچیک از دوران تاریخی پیش از این، کار به صورت استخدامی انجام نمی شده است.

الگوهای ماقبل صنعت برای کار

در دوران قبل از عصر صنعت، کار زنان و مردان در جامعه عمدتاً در خانه و یا نزدیک به خانه انجام می شد. یعنی کار عمدتاً محلی بود و نیازهای خانوار و جامعه محلی را پاسخگو بود و اینکه چه کاری کی و چگونه و به چه مقدار انجام شود در کنترل افراد محلی بود. غالب کارها بدون پرداخت وجه انجام می شد و لذا پول نقش بسیار کم رنگ تری در جامعه داشت. مرد و زن بسیاری از کارها را بین خود تقسیم می کردند. بچه ها به محض اینکه به سنی می رسیدند که می توانستند به کار مشغول شوند به پدر و مادر خود در انجام کارها کمک می کردند. نسل پیر نیز در کارها مشارکت داشت. مادامی که والدین کودکان به کارهای خارج از خانه مشغول بودند، پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها در خانه از بچه های کوچکتر مراقبت می کردند. لذا کار در جوامع ماقبل عصر صنعت غالباً ماهیتی خانوادگی و محلی داشت. حوزه اقتصاد و حوزه اجتماع در جامعه از هم متمایز نبود و تخصص گرای حاد به شکلی که امروز دیده می شود وجود نداشت. ایجاد ثروت و تامین بهروزی و آسایش نیز از هم منفک نبود. تولید برای خود و برای دیگران دو فعالیت جداگانه محسوب نمی شد.

هدف از بیان خصوصیات کار در دوران ماقبل صنعت، خیالپردازی در سوگ از دست رفتن زندگی خوش گذشته نیست. زندگی در قرون گذشته فاقد بسیاری از رفاهیتی بود که ما امروز به آنها خو گرفته ایم. تعداد افرادی که واقعا بخواهند به آن دوران برگردند بسیار اندک است. در دوره «سرواژ»،^{۱۱} یعنی در دوره ای از تاریخ ما که قبل از انقلاب صنعتی وجود داشت، نشانی از علوم و تکنولوژی امروزی دیده نمی شد و غالب مردم تحت فرمان کارفرمایی بودند که غالباً با بدرفتاری از آنها کار می کشید. اما با این وصف نمی توان نادیده گرفت که از نظر

^{۱۱} serfdom «سرواژ» نوعی سازماندهی کار زراعی است که قبل از انقلاب صنعتی در اروپا رواج داشت. در این نظام فئودالی، زمینداران بزرگ از نیروی کار بزرگان، که غالباً بخشی از مالکیت زمین به شمار می آمدند، برای انجام کارها بهره می بردند. بسیاری از صاحب نظران، سرواژ را نوعی بردگی می دانند. مترجم

اجتماعی، الگوی کار در آن عصر چیزی داشت که در نظام کار و اشتغال امروز که مبتنی بر استخدام است موجود نیست. و این چیز، مردمی بودن و محلی بودن کار است. خود اتکایی، مشارکت جویی، و کمک به خود از ارکان زندگی و کار افراد در جامعه محسوب می شد. این ویژگی آن جامعه موجب می شد که ارتباطات بین افراد، شخصی و رو در رو بود. در آن دوران، نشانی از ارتباطات سرد و غیر شخصی فرد با سازمان، که از خصوصیات گسترده و عادی دنیای کار در عصر حاضر است، خبری نبود.

خصوصیت مطلوب دیگر آن دوران این بود که مردم به اسباب و منابع تولید نزدیک بودند. چیزهایی مثل زمین، سازه ها، ابزار و ادوات، دام و دیگر امکانات مورد نیاز برای تولید نیازهای اساسی مردم در دسترس و در کنترل آنان بود. کسی در آن زمان حتی تصورش را نمی کرد که در آینده دوره ای خواهد آمد که مردم برای دسترسی به این منابع و ملزومات حتما و تماما متکی به یک استخدام کننده باشند، تا حدی که بدون سازمان ها، شرکت ها و نهادهای استخدام کننده، اصلا کاری در جامعه وجود نخواهد داشت که مردم بتوانند از طریق آن تامین معاش کنند.

www.eabbassi.ir

براستی شرایط کار و اشتغال در عصر کنونی بسیار متفاوت با دوران گذشته است. هم زنان و هم مردان آموخته اند که در جایی خارج از خانه به دنبال کار بگردند. و انتظار غالب در محیط کار این است که کار صرفا برای دستیابی به پول است. ما به کارمان نیازمندیم چون از طریق آن پول در می آوریم و با آن پول کالاها و خدمات مورد نیاز خود را خریداری می کنیم چرا که دیگر خود قادر به تولید محلی آن کالاها و خدمات نیستیم. از سوی دیگر، ما به کار خارج از خانه و خارج از جامعه محلی، برای شخصیت، هویت، و داشتن جایگاه اجتماعی قابل احترام، وابسته شده ایم. با بالا رفتن جایگاه کار خارج از خانه و محل زندگی، جایگاه کار در منزل به شدت تقلیل یافته است. لذا اشخاصی که کار خانه را به عهده می گیرند، به رغم اهمیت حیاتی این نوع کار برای تمامی اعضای خانوار، از جایگاه اجتماعی نازلتر و اعتماد به نفس کمتری برخوردارند. تعجب آور نیست که از بانوان خانه دار این عبارت زیاد شنیده می شود که: «من فقط یک زن خانه دارم.»

طی زمان، تغییر نگاه به کار، به نحوی تکامل و توسعه یافته که به تثبیت و تقویت هر چه بیشتر کار «استخدامی» در میان مردم انجامیده است. مثلاً، هر چه به تعداد جویندگان کار در محیط خارج از محل زندگی افزوده شده، تعداد اندک تری از شهروندان قادرند نیازهای مرتبط با کودکان و سالمندان و بیماران در خانه و در میان همسایگان را پاسخگو باشند. و لذا برای تامین این نیازها ناگزیر نهادها و سازمان هایی به وجود آمده است - مثل مدارس و بیمارستان ها- که با بهره گیری از نیروهای استخدامی به تامین این نیازها پرداخته اند. نیاز این نهادها به نیروهای استخدامی به نوبه خود به فرصت های شغلی استخدامی در جامعه افزوده است و لذا تعداد بیشتری از شهروندان را برای کار از خانه و جامعه محلی بیرون کشیده و در جایی دیگر به کار گمارده است.

استخدام، نوعی وابستگی

این تغییر بزرگ در الگوی کار، زندگی مردم و جامعه را متحول کرده است. تاثیر ژرف الگوی کار استخدامی بر آزادی افراد در کنترل فعالیت های کاری خود از پراهمیت ترین خصوصیات الگوی کار در عصر صنعت بوده است. در دوره های پیشین، چه بسا به استثنای دوران شکارچی گری بشر، افراد غالباً تحت نظارت و امر کس دیگری کار می کردند. مسلماً در دورانی که برده داری و سرواژ نظام غالب بود، این ارتباط کاری بین بالا سری ها و پایین دستی ها بسیار پررنگ بود. اما هیچیک از این دوران، مدعی پیشرو بودن در ایجاد جامعه ای از شهروندان آزاد، برابر و تحصیلکرده، و مجهز به کلیه مهارت ها برای تولید ثروت برای خود و دیگران، نبود. امروزه که میلیون ها کارگر و کارمند برای کارفرمایان به صورت استخدامی کار می کنند، اما آیا واقعاً می توانیم این الگوی کار را نوعی پیشرفت در جامعه بشری تلقی کنیم؟

در تئوری، این الگوی جدید کار شاید پیشرفت به نظر آید. کارگران ساده، ماهر، و متخصص همگی قادرند به عنوان انسان هایی آزاد در بازار کار با یکدیگر رقابت کنند و فقط برای کارفرمایی کار کنند که به آنها مزد مطلوب ایشان را می پردازد. از سوی دیگر، برای زنان، توانایی یافتن کار در بیرون از خانه سنبل آزادی محسوب می شود. اما فرآیند تغییر از جامعه فئودالی به جامعه صنعتی در عمل بشر را نه به سوی آزادی بیشتر بلکه به سوی محدودیت و وابستگی عمیق تر سوق داده است. در الگوی استخدامی کار، اکثریت جمعیت برای کس دیگری کار می کند. یعنی جامعه به دو بخش تقسیم شده است: مستخدمین و استخدام

کنندگان. در تاریخ بشر هرگز چنین تفکیک اجتماعی به این گستردگی وجود نداشته است. با نگاهی به فرآیند گذار از الگوی کار قدیم به الگوی کار جدید، می توان به روشنی دید که این تغییر نه به واسطه و برای فراهم شدن آزادی های جدید بلکه به واسطه گرفته شدن حقوق پیشین بوده است. مثلا در انگلستان، این گذار در قرن ۱۶ با منحل شدن صومعه ها و از هم پاشیدن املاک فئودالی آغاز شد که تبدیل خیل عظیمی از برزگران به کارگران مزدبگیر بدون زمین را به دنبال داشت. در قرن ۱۷ و ۱۸ هم با محصور کردن مراتع و جنگل ها مردم عادی از حق خود برای چرای دام، گردآوری هیزم، و شکار در منابعی که مشترکا به همه تعلق داشت محروم شدند و به جای آن به کار برای دیگری و دریافت دستمزد به منظور خریداری همین اقلام با پول محتاج شدند. در آن زمان، حصارکشی دور اراضی ای که در اصل منابع مشترک جامعه محسوب می شد، تصمیمی آینده ساز تلقی می شد چرا که به نقل از متون آن زمان، «محصور کردن منابع مشترک، کارگران را مجبور کرده که هر روز سال را کار کنند و بچه های آنها نیز در سن و سال پایین تر روانه بازار کار شوند.»

کوتاه کردن دست اقشار کم بضاعت جامعه از منابع و ابزار تولید از یک سو و وضع قوانین جدید مرتبط با کار^{۱۲} - که جابجایی نیروی کار از منطقه ای به منطقه دیگر را از قرن ۱۶ به بعد مشکل ساخت، خیل عظیمی از نیروی کار را برای پیوستن به نظام صنعتی و استخدام در واحدهای صنعتی مهیا گردانید.

فردگرایی و رابطه خشک سازمانی در کار استخدامی

ویژگی دیگر عصر استخدام این است که کار مردان و زنان از هم متمایز شد. با چیره شدن الگوی استخدام در قرن ۱۹ و ۲۰، در غالب خانوارها پدر، که در خارج از خانه به کار مشغول شد، نان آور خانواده شد و مادر در خانه ماند تا کارهای خانه انجام گیرد. درآمد نقدی مردان در دنیای جدید کار موجب شد که جایگاه مردان نسبت به زنان ارتقا یابد. طی زمان، زنان توانسته اند جایگاهی مشابه مردان در دنیای کار برای خود به دست آورند. اما این برابری در دنیای کار بیرون از خانه به نوعی نابرابری در کار منزل منجر شده است به این صورت که غالب مردان، یا به علت تعهدات کار خارج از خانه و یا از روی بی میلی، به اندازه زنان در

¹² The Poor Law و Statute of Artificers of 1563

مدیریت و انجام امور مربوط به خانه مشارکت نمی کنند. تعهدات کار خارج از خانه بسیاری از مردان را از این واقعیت غافل ساخته است که ایشان می توانند انرژی خود را مستقیماً برای تامین مقاصد و اهداف خود که نهایتاً تامین آسایش و نیازمندی های خود، خانواده، همسایگان و دوستان است مصروف دارند.

به لحاظ اندازه بزرگ واحدهای تولیدی و خدماتی و نیز به واسطه بهره گیری از انواع فناوری های پیچیده، اتکا به مدیریت سازمانی و تخصص گرایی در الگوی استخدامی کار، گسترش همه جاگیر یافته است و این ویژگی ها بر جدایی ها و غیر شخصی شدن ارتباطات بین انسان ها در محیط کار افزوده است. از سوی دیگر، شهری شدن دنیای کار نیز موجب شده است که ویژگی غیر شخصی شدن تجربه کار تشدید یابد. در شهرهای بزرگ و صنعتی، مردم کمتر با هم آشنایی و ارتباط دارند. همچنین، با توسعه حمل و نقل ریلی، مردم قادر شده اند که از فاصله های دورتر برای کار به شهر بزرگی سفر کنند و دوباره در پایان روز به خانه خود بازگردند. طی سال های تحول و تکامل الگوی استخدامی کار، مردم پذیرفته اند که دور از محیط خانه و محل زندگی کار کنند و به انجام کاری مشغول باشند که احتمالاً هرگز ارزشی مستقیم برای نزدیک ترین افراد در زندگی ایشان ندارد. برای اکثریت غالب، کار کردن برای غیر تنها راه کسب درآمد و کسب هویت اجتماعی شده است.

گسست بین محیط کار و محیط خانه و محل زندگی و اینکه نتیجه تلاش های کارگران و کارمندان مستقیماً بهره ای به خانواده و دیگر عزیزان او نمی رساند به صورت نارضایتی از کار، در میان نه تنها کارگران و کارمندان بلکه در بین مدیران نیز، عمومیت یافته است. بسیاری از شاغلین در تمامی سطوح احساس می کنند که کارشان محدودیت هایی جدی ایجاد کرده است؛ به طور مثال، برای صرف وقت لازم برای رشد فردی و یا قابلیت تغییر مکان زندگی، مثلاً از یک کلان شهر آلوده به یک شهر کوچکتر. تکرار و روزمرگی به عنوان آفت عمومی کارهای موجود نامبرده می شود.

انحصارگرایی استخدام

علاوه بر استخدام، به معنی «کار برای غیر»، در عصر حاضر گزینه دیگری نیز برای بسیاری از مردم مهیاست و آن گزینه بیکاری است. کسی که بیکار است از احترام اجتماعی، اعتماد به

نفس و احترام به خود، که کار به شاغلین می دهد، بی بهره است. در فضای اجتماعی کنونی، به کسی که کار ندارد به دیده حقارت نگریسته می شود. زنان خانه دار، بازنشستگان و نوجوانان و جوانانی که هنوز به دنیای کار راه نیافته اند از این جمله افراد اند.

کسی که به هر دلیلی کار خود را از دست می دهد در حاشیه قرار می گیرد. قوانین و عرف موجود به گونه ای عمل می کنند که پیر و جوان و بیکار از انجام کارهای غیر رسمی که لزوماً برای کسب درآمد نباشند رویگردان اند. کما اینکه بیکارانی که از بیمه بیکاری حقوق دریافت می کنند، اگر در جایی مشغول به کار داوطلبانه شوند و یا به انتخاب خود به بازآموزی در حرفه ای جدید مشغول شوند، احتمالاً ادامه دریافت بیمه بیکاری خود را به مخاطره می اندازند. تو گویی در شرایط کاری امروز، خطی پر رنگ جامعه را به دو بخش تقسیم می کند: آنها که کار می کنند و آنهایی که بیکارند. گروه اول مفید و فعال و گروه دوم غیر مفید و سربار جامعه محسوب می شود.

وابستگی جوامع محلی

همانطور که الگوی استخدامی کار، افراد را به نظامی متمرکز تر وابسته ساخته است، جوامع محلی نیز، به لحاظ کار، تولید و مصرف، توسط تصمیماتی که در مکانی دوردست گرفته می شود کنترل می گردند. به همان سیاق که خانوارها کنترل زندگی و معاش محلی خود را از دست داده اند، روستاها و شهرهای کوچک نیز کنترل امورات خود را به واحدهای اداری بزرگتر در سطوح بالاتر واگذار کرده اند. به همان ترتیبی که افراد، محروم از منابع و ابزار تولید، به درون بازار کار و درگیری با نیروهای غیر شخصی آن کشیده شده اند، جوامع محلی نیز هر چه بیشتر به درون نظامی اداری کشیده شده اند که در آن نیروهای مرتبط با اقتصاد ملی و بین المللی بیشتر اثرگذار و تعیین کننده است تا نیازها و اولویت های محلی.

به همان صورتی که افراد نسبت به پدیده های اقتصادی خارج از کنترل آنها آسیب پذیر گردیده اند، اقتصاد جوامع محلی نیز نسبت به چرخه های اقتصادی، نوآوری های صنعتی و دیگر تحولات دنیای خارج از کنترل آنان به شدت اثرپذیر شده اند. طی عصر صنعت، با افزایش تخصص گرایی و تقسیم کار در تمامی سطوح - محلی، منطقه ای و ملی - از ظرفیت و توانایی جوامع محلی برای سازماندهی به کار و اشتغال در محل کاسته شده است. نتیجتاً

خوداتکاییِ جوامعِ محلیِ دیروز به وابستگیِ شدیدِ امروزِ این جوامع به محیط بیرون تبدیل شده است. در گذشته تقریباً تمامی نیازمندی‌های جوامع محلی در محل تولید می‌شد، مثل غذا، پوشاک، مسکن، انرژی برای گرمایش و کار، اما امروزه تقریباً تمامی مایحتاج جوامع از مکانی دور دست تامین می‌شود. در گذشته همچنین، در مقایسه با امروز، خرید و فروش اجناس با محیط بیرون که مستلزم استفاده از پول است بخش کوچکتري از اقتصاد جوامع محلی را تشکیل می‌داد.

تضعیف خودکفاییِ جوامع محلی در عصر صنعت، با تضعیف خوداتکایی نیز همراه بوده است. وابستگی جوامع محلی در حوزه کار و اشتغال نیز کاملاً مشهود است. در نظام فعلی کار، هم افراد و هم جوامع محلی، هر دو به سازمان‌هایی وابسته‌اند که دفاتر آنها، و لذا تصمیماتی که گرفته می‌شود، در جایی دیگر قرار دارد. این وابستگی دو گانه به کار و نیازمندی‌های اساسی به ظهور پدیده دیگری انجامیده است. جوامع محلی تبدیل به مکانی برای ورود و خروج سریع نقدینگی شده است. عدم چرخش پول در یک محیط یعنی عدم توان لازم برای سرمایه‌گذاری و ایجاد فرصت‌های شغلی محلی. در این سال‌های پایانی عصر صنعت، به صورتی که ما آن را می‌شناسیم، تصویر عمومی از خانوار به عنوان واحد اقتصادی کاملاً کمرنگ شده و تنها آن را به عنوان واحدی اجتماعی می‌شناسیم. به همان سیاق، با از میان رفتن گردش پول در جوامع محلی، هرگونه ساختار محلی که برای مدیریت محلی به وجود آید، عمدتاً ساختاری اجتماعی است و هیچ نقش اقتصادی برای آن متصور نیست.

یکی از روشن‌ترین مصادیق این وابستگی اقتصادی جوامع محلی در نقاط توریستی کشور یونان دیده می‌شود. مثلاً در جزایر دیدنی این کشور مشاهده می‌شود که همزمان با ورود خیل گردشگران خارجی، مقادیر عظیمی از کالاهای مصرفی نیز به این نقاط سرازیر می‌شود؛ از غذا و دیگر ملزومات رفاهی و تفریحی گرفته تا حتی سوغاتی‌هایی که گردشگران با خود می‌برند. به عبارت دیگر، مردمان بومی این جزیره‌ها چیزی از خود ندارند که به گردشگران عرضه و کسب ثروت کنند.

این وابستگی افراد و جوامع محلی به صنایع و سازمان‌های غیر محلی گریبانگیر همه کشورهای توسعه یافته است. دو چیز از این پدیده وابستگی درک می‌شود: یکی اینکه صنایع

بزرگی چون کشتی سازی، استخراج از معادن، اتومبیل سازی، لوکوموتیو سازی، و دیگر صنایعی که بسیاری از طالبین کار در جوامع محلی را به خود جذب می کنند، غالباً توسط شرکت های چند ملیتی، دولت های مرکزی و یا سازمان های بین المللی مدیریت می شوند و این سازمان های دوردست تعهد خاصی نسبت به آینده جوامعی که هم اکنون به آنها وابسته شده اند ندارند. دوم اینکه، مردمی که در جوامع محلی زندگی می کنند، ضمن وابسته شدن به صنایع بزرگ، به تدریج مهارت های توانمند ساز خود که در گذشته قادر به تامین نیازمندی های اساسی ایشان بود را از دست داده اند. بنابراین، شرایط حاضر مردم را در شرایط بسیار آسیب پذیری قرار داده است چرا که با از میان رفتن این مهارت ها، توان سازماندهی محلی کار نیز تضعیف شده است. واقعا تعجب آور نیست که در سال های اخیر نمایندگان جوامع محلی، دوشادوش نمایندگان دولت های مرکزی جهان، سعی داشته اند که تعداد بیشتری از صنایع بزرگ ملی و جهانی را به سرمایه گذاری در کشور، شهر و شهرستان خود دعوت کنند.

این مقامات و مسئولین در بین شرکت های داخلی و خارجی به دنبال جایگزین های مناسبی برای پرکردن جای خالی صنایع رو به زوال کنونی، مثل فولاد و کشتی سازی، می گردند غافل از اینکه با این کار تنها به عمق وابستگی های جوامع محلی خود می افزایند. این نمایندگان جوامع محلی و آژانس های دولتی مسئول کار و اشتغال در کشور، کاملاً مستغرق در چارچوب ذهنی نظام استخدامی کار، فراموش کرده اند که با اندک حمایت از تولیدکنندگان محلی می توانند به خودکفایی و خود اتکایی جوامع محلی کمک کنند، که مسلماً به توانایی های لازم جهت افزایش ظرفیت کارآفرینی در محل، برای تولید محلی نیازمندی های مردم نیز خواهد افزود.

در جهان سوم نیز رشد وابستگی ها به منابع خارجی کار و کالاهای مورد نیاز موجب شده است که اقتصاد در این کشورها متکی به صنایع استخراجی و صادرات تولیدات این صنایع به خارج از کشور شود. به جای استفاده از زمین و دیگر منابع کشاورزی و مهارت های موجود برای رفع نیازمندی های محلی، سیاستگذاران در این جوامع تمایل بیشتری به توسعه بخش استخراج کانی ها و کشاورزی صنعتی برای تولید محصولات صادراتی جهت عرضه در بازارهای بین المللی دارند. لذا می بینیم که این کشورها به بازارهای خارجی نیز وابسته شده اند. قابل توجه است که این بازارها نیز از کنترل فعالان اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در

کشورهای در حال توسعه خارج اند و مطمئناً به نفع آنها کار نمی کنند. مضافاً اینکه، با افزایش هزینه های مرتبط با نیروی انسانی در کشورهای توسعه یافته، تعداد عظیمی از صنایع بزرگ این کشورها اقدام به انتقال تاسیسات خود به کشورهای در حال توسعه کرده اند. ظهور این تاسیسات در کشورهای در حال توسعه جوامع محلی را به همان سرنوشت متاثر از وابستگی های گوناگون دچار کرده است.

محدودیت های استخدام

به طور خلاصه، دو ویژگی کلیدی الگوی توسعه کنونی که متشابها در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نمود یافته است از این قرار اند: (۱) چیرگی اشتغال از طریق استخدام بر دیگر جلوه های کار و فعالیت در جامعه، و (۲) مرتبه پایین تر کار و اقتصاد محلی و کنترل امور محلی به دست تصمیم گیرندگان سازمان های بزرگ و غیر محلی. به عبارت دیگر، هر چه نهاد کار از طریق استخدام در ساختار اقتصادی و اجتماعی جوامع در کشورهای جهان بیشتر ریشه دوانیده است، کار به فعالیتی بدل شده که وابسته به غیر، کنترل شده از راه دور و به شدت متکی به فناوری های پیچیده و گرانبه گزیده است.

www.eabbassi.ir

در دوران پسامدرن، یعنی در عصری که جایگزین عصر صنعتی فعلی خواهد شد، کار می باید در جهت دیگری تحول یابد به صورتی که خوداتکا تر، کنترل شده در محل، و اساساً تابع نیازها و مقاصد آن افرادی باشد که آن کارها را انجام می دهند. به پایان دوره استخدام در تاریخ کار بشر که نزدیک تر می شویم، ضرورت تفکر و نوآوری در مورد راه های مختلف معکوس کردن برخی از ویژگی های استخدام به عنوان یکی از راهکارهای فراهم کردن شغل در جامعه آینده شدید تر احساس می شود.

فصل ۴: تغییر جهت در دنیای کار

تغییر جهت در مورد روش سازماندهی کار در جامعه پسامدرن بر کلیه جنبه های زندگی بشر اثر خواهد گذاشت، به همان مقدار که جامعه بشری پس از ظهور سازماندهی استخدامی کار در عصر صنعت، تحت تاثیر قرار گرفت. در این فصل به صورت کلی به معرفی این جنبه ها و بررسی مفروضاتی می پردازیم که در عصر صنعت به وجود آمده اما نیاز به تغییر دارد.

جزئیات عملیاتی کردن دوران گذار از نظام کنونی به نظام «کار برای خود» را در بخش ۴ کتاب پی می‌گیریم.

همانطور که در فصل ۳ توصیف شد، ماهیت کار در عصر صنعت به صورتی بوده است که انسان‌ها مشغول به کارهایی شده‌اند که ارتباط مستقیمی با نیازها و مقاصد محلی آنها و با اهداف و ارزش‌های شخصی آنها ندارد. این جنبه غیر شخصی و نامانوس کار در عصر صنعت، و همچنین فقدان مسئولیت‌پذیری افراد در قبال تبعات و نتایج نوع کاری که به آن مشغول‌اند، به ظهور یکی دیگر از ویژگی‌های نامطلوب کار در عصر صنعت انجامیده است: تمرکز بر بهره‌برداری، مصرف و تخریب منابع طبیعی.

برای فاصله گرفتن از وابستگی، آسیب‌پذیری و تخریب زیست‌محیطی و منابع طبیعی ای که نهاد استخدامی کار در عصر صنعت در جوامع ایجاد کرده است، چشم‌انداز شیوه سازماندهی کار به صورت «کار برای خود» در دوران پس از عصر صنعت، از سه لحاظ با ارزش‌ها و اصول رایج در عصر صنعت تفاوت دارد. به این معنی که انتخاب‌های فعالان اقتصادی و سیاستگذاران در عصر جدید: www.eabbassi.ir

- عقلانی‌تر است. یعنی که افراد و جوامع محلی، کنترل بیشتری بر کارها و امور خود خواهند داشت. کار اساساً فرصت‌هایی خواهد بود که از طریق آنها افراد مستقیماً برای تأمین نیازمندی‌های خود، از جمله نیاز برای رشد و تعالی شخصی، تلاش می‌کنند.

- انسانی‌تر است. یعنی در نظام کاری جدید نه تنها مردم کمتر مورد بهره‌کشی توسط نظام صنعتی و برای مقاصدی که برای آنها مانوس نیست قرار می‌گیرند، بلکه خود نیز از طریق کار، اسباب بهره‌کشی و لطمه به دیگران را فراهم نمی‌کنند.

- متناسب با شرایط بومی است. یعنی افراد و جوامع به جای اینکه در صدد بهره‌کشی رقابتی از منابع باشند، بیشتر دغدغه بهره‌برداری پایدار از این منابع را در سر دارند و می‌کوشند که با محیط طبیعی اطرافشان همزیستی متقابل داشته باشند.

حال ببینیم که این رویکرد متفاوت به کار و پابندی به اصول بالا در مقایسه با آنچه در حال حاضر دیده می شود چه تاثیری در جنبه های مختلف اقتصاد و توسعه خواهد داشت.

انرژی

رابطه بین کار و انرژی رابطه ای مستقیم است. نه تنها ریشه لغوی این دو واژه در زبان یونانی قدیم با هم مرتبط است، بلکه در تمامی اعصار، کار و استفاده از انرژی در هم تنیده شده است. در گذشته برای انجام کار، استفاده از انرژی عضلانی انسان و حیوانات کاری مثل اسب و گاو و فیل و نیز انرژی خورشید، باد و آب از دیرباز متداول بوده است. بهره گیری از انرژی ذخیره شده در انواع گیاهان مثل چوب یا سوخت های فسیلی مثل نفت و زغال سنگ نیز معمول بوده است.

عصر صنعت، عمدتاً عصر استفاده از سوخت های فسیلی بوده است. فراهم بودن این سوخت ها و بالا گرفتن فناوری های پیشرفته برای استخراج، فرآوری و استفاده از این منبع انرژی ماهیت کار در این عصر را عمیقاً تحت تاثیر قرار داده است. پس تفکر در مورد ماهیت کار در عصر پسامدرن اساساً تفکر در مورد نوع انرژی ای است که مطلوب تر است.

توسعه صنعتی شتاب یافته که به عنوان یکی از سناریو های سه گانه جامعه در آینده مطرح شده بر این فرض استوار است که انرژی هسته ای به تدریج منابع تجدید ناپذیر فعلی را جایگزین خواهد شد. لذا چنین جامعه ای به لحاظ منبع انرژی ای که در نظر دارد جامعه ای فوق العاده متمرکز تر از جوامع امروزی خواهد بود. یعنی تعداد نسبتاً انگشت شماری از اعضای جامعه کنترل تولید انرژی مورد نیاز مردم را در اختیار خواهند داشت. تمرکز در تولید انرژی، به این افراد قدرتی گسترده و نافذ در برنامه ریزی ها در مورد انرژی و بسیاری دیگر از چیزها در جامعه خواهد داد.

اما نوع تغییر جهتی که در این کتاب پیشنهاد شده است، یعنی حرکت به سوی جامعه ای که در آن «کار برای خود» عرف غالب است، تولید و بهره گیری از انرژی، مانند دیگر جنبه های کار و زندگی، به شکلی غیر متمرکز و خوداتکا خواهد بود. در این چشم انداز، مردم اشراف بیشتری به چگونگی و میزان تولید انرژی خواهند داشت و لذا صرفه جویی و بهینه سازی

مصرف، نیاز به انرژی را خود بخود کاهش خواهد داد. ضمناً، با استفاده از منابع تجدید پذیر انرژی، مثل باد و نور خورشید، نیاز به دیگر منابع انرژی به صفر خواهد رسید. تولید انرژی در سطح محلی و در خانه‌ها موجب خواهد شد که جمعیت وسیع تری در تولید انرژی دخیل باشد و لذا نظامی متکی بر نقش آفرینی گسترده تر مردم در تامین انرژی و دیگر ملزومات زندگی جامعه متبلور شود.

از منظری انسانی تر، تغییر جهت در ماهیت کار در عصر جدید موجب خواهد شد که انرژی ذهنی و فیزیکی انسان‌ها بیشتر به سوی کارهای سودمندی که رفع نیازهای محلی را در نظر دارد هدایت گردد.

فناوری

در عصر صنعت بهره‌گیری از سوخت‌های فسیلی تأثیری بنیادین بر توسعه فناوری‌ها گذاشته و نتیجتاً بر سازماندهی کار در جامعه و نهایتاً بر میزان همبستگی اجتماعی شهروندان تأثیری عمیق و گسترده داشته است. مثلاً در عصر صنعت مادامی که برخی نساجان محلی با دستگاه‌های دستی خود به کار ادامه‌اند، فقط کارخانه‌داران بزرگ استطاعت مالی خریداری دستگاه‌های بزرگ نساچی را داشته‌اند. در حوزه کشاورزی نیز، کار کشاورزان محلی که از ابزار شخم دستی استفاده می‌کند از کار شرکت‌های کشت و صنعت که با انواع ماشین‌آلات کشاورزی انجام می‌شود جدا شده است. در هندوستان، فقط کشاورزان ثروتمند هندی قادر بوده‌اند که از فناوری‌های انقلاب سبز در کشاورزی استفاده کنند و لذا آنها همسایه‌های فقیر و بی‌زمین خود را به عنوان کارگران روزمزد به خدمت می‌گیرند.

در سناریوی ادامه توسعه صنعتی به شکلی که هست، تمایل غالب در جامعه این است که با استفاده بیشتر از ماشین‌آلات می‌توان واحدهای تولیدی بزرگ تر و اتکای کمتر به نیروی انسانی را سازماندهی کرد. در سناریوی توسعه شتاب یافته، مکانیزه و اتوماتیزه کردن محیط‌های کار از جمله در واحدهای بزرگ و خودکار تولید انواع محصولات، کارخانه‌های مستقر در فضا و نظایر اینها، نیروی انسانی بسیار اندکی نیاز خواهد بود. یعنی واقعا در جامعه، برای مابقی ما، به عنوان اعضای نیروی فعال جامعه جایی وجود نخواهد داشت.

اما تغییر جهت به سوی جامعه مبتنی بر «کار برای خود» حاکی از جهتی امیدوار کننده تر در توسعه فناوری هاست. و این تغییر جهت به سوی مینیاتوریزه کردن صنعت است. در حالیکه که مقیاس بزرگ و مصرف بالای انرژی فناوری های عصر صنعت، مردم را از خانه و کاشانه و محله به سوی کارخانه جات و واحدهای بزرگ صنعتی کشید و منجر به از دست رفتن قابلیت کنترل دنیای کار توسط عوامل محلی شد، در عصر «کار برای خود» فناوری های هوشمندانه و مبتکرانه این روند را معکوس خواهد کرد. از هم اکنون شاهد ظهور برخی از این فناوری ها هستیم. مثلاً در خانه سازی می بینیم که مردم به دست خود مسکن خود را می سازند. یا اینکه با کشت محصولات خوراکی در باغچه های خانگی و در بوستان های شهری، بخشی از غذای سالم و تازه مورد نیاز خود را در محل تولید می کنند. همچنین شاهدیم که انواع رایانه های خانگی و فردی با قابلیت هایی نزدیک به سوپر کامپیوتر های چند نسل پیش در خانه ها اسباب ارتباط جهانی را برای مردم در شهر و روستا فراهم کرده است.

این فناوری های کوچک و هوشمندانه فعالان اقتصادی محلی را قادر خواهد کرد که در مقیاس کوچکتر واحدهای تولیدی و خدماتی بسیار کوچک تر (به جای کارخانه های بزرگ برای تولید انبوه کالاها) در محل زندگی خود تاسیس کنند و نیازهای بازارهای محلی برای کالاها و خدمات مورد نیاز را تامین کنند. این نسل از فناوری های مبتکرانه، کوچک، کم مصرف و هوشمند به نسل جدید طالبان کار اجازه می دهد که کار خود را خود برگزینند و با خوداشتغالی، به گسترش خوداتکایی در اقتصاد و ترویج فرهنگ خدمت به خود و جامعه محلی کمک کنند.

محیط زیست

الگوی غالب کار در عصر صنعت و شیوه های بهره برداری از انرژی و فناوری در این دوران پیامدهای عظیمی برای محیطی که در آن زندگی می کنیم داشته است. نخست اینکه، شهرهای کوچک و بزرگ و روستاهایی که در آنها زندگی می کنیم طوری تغییر شکل یافته که با نوع غالب کار، یعنی استخدام و کار برای کارفرماهای بزرگ و غیر محلی، سازگار باشد.

هم اکنون ما در خانه هایی زندگی می کنیم که طراحی آن بیشتر برای مصرف، تفریح و استراحت است و برای کار و فعالیت تولیدی مناسب نیست. طراحی خانه ها و طراحی محیط

کار دو طراحی کاملاً جداست. در شهرها، بین محله های مسکونی و مناطقی که برای احداث کارگاه ها تخصیص داده شده فاصله قرار داده اند. شهرسازان و برنامه ریزان را تعلیم داده اند که شهر را به منطقه های مختلف، جهت زندگی، کار، و دیگر کاربری های زمین منطقه بندی کنند. مقررات شهری انجام فعالیت هایی که مرتبط به کار و تولید باشد را در درون منازل و یا در محیط اطراف منازل غیر قانونی ساخته است.^{۱۳}

الگوهای غالب در حمل و نقل نیز از ماهیتِ استخدامیِ کار در عصر صنعت تأثیر عمیق پذیرفته است. بخش عظیمی از سیستم حمل و نقل درون شهری برای پاسخگویی به خیل عظیمی از کارگران و کارمندانی است که هر روز از منزل به محل کار خود سفر می کنند. بخش قابل توجه دیگری از سیستم حمل و نقل درون شهری و برون شهری اختصاص به توزیع کالاها و یا ارائه خدماتی دارد که در جایی دیگر تولید شده و می باید به دست مصرف کنندگان برسد. این میزان بالا از نیاز به حمل و نقل در جامعه حاکی از تخصص گرایی و تقسیم کار افراطی در کار است که به خاطر آن مردم در همان جایی که زندگی می کنند قادر به پاسخگویی به نیازهای روزمره خود نیستند.

www.eabbassi.ir

شیوه های صنعتی کشاورزی نیز آسیب های فراوانی به محیط های خارج از شهرها، در روستاها و طبیعت اطراف روستاها، وارد کرده است. صنایع جدید نیز آب و هوا را با مواد و ضایعات شیمیایی آلوده کرده است. امروزه کامیون های حمل انواع بار از مناطق مسکونی می گذرند و بر کیفیت زندگی در محله های شهری تأثیری نامطلوب دارند. جاده های جدید، شهرک های وسیع، فرودگاه های بزرگ، و کارخانه های عظیم، با هم و در کنار هم، پوششی از بتون و آسفالت روی مساحت گسترده ای از زمین کشیده اند.

¹³ برای اطلاع بیشتر در مورد منطقه بندی شهری و تبعات نامطلوب آن و اینکه چگونه برخی از شهرداران و برنامه ریزان پیشرو دنیا با اعمال «منطقه بندی مختلط» و دیگر ابتکارات، به نزدیک شدن محل کار و محل زندگی شهروندان و نتیجتاً کاهش آلودگی هوا در شهر خود کمک کرده اند، به آدرس های زیر در شبکه جهانی اینترنت نگاه کنید.

www.eabbassi.ir/articlesandlinkspart1trans.htm

www.eabbassi.ir/articlesandlinkspart2apptech_energy_eff_transport_mixedusezoning.htm

www.eabbassi.ir/articlesandlinkspart1trans_jaimelerner.htm

در عرصه جهانی، تخریب جنگل ها، آلودگی جو، رودخانه ها، دریاها، و اقیانوس ها، تغییرات آب و هوایی، و از بین رفتن بسیاری از گونه های گیاهی و جانوری، همه از پیامدهای الگوی غالب کار در اقتصاد امروز است.

در صورتی که سناریوی توسعه به شکلی که هست ادامه یابد، مسلماً الگوهای موجود در معماری و شهرسازی و حمل و نقل به شکل کنونی آن ادامه خواهد یافت. در چنین شرایطی، گزینه های سیاستگذاری متداول کنونی برای محدود کردن تخریب و آسیب، مثل کنترل و ایجاد محدودیت از طریق وضع قوانین و مقررات، ایجاد تغییر رفتاری در شهروندان با ارائه انگیزه های مالی، و برگزاری مذاکرات و عقد پیمان های بین المللی، با هر میزان از تاثیر که تا حالا داشته اند، در اختیار سیاستگذاران خواهد بود.

اطلاعات زیادی از سوی طرفداران توسعه صنعتی شتاب یافته در مورد جزئیات طراحی سازه ها و شهرها در آینده منتشر نشده است. به نظر می آید که همان قشری که قرار است خوراک و پوشاک و امکانات سفر و تفریح جامعه مصرف کننده را فراهم کند، خانه سازی و تامین نیازهای حمل و نقل آنها را نیز به نحوی ساماندهی خواهد کرد. و تا آنجاییکه به آسیب پذیری محیط زیست در برابر صنایع بزرگ و آلاینده امروز مربوط می شود، به نظر می رسد که در میان طرفداران توسعه صنعتی شتاب یافته، فرض بر این است که علم و فناوری راه حل های لازم را بالاخره پیدا و اعمال خواهد کرد.

با تغییر جهت در الگوی کار، در جامعه ای که تاکید بیشتری بر ترویج و تسهیل «کار برای خود» قرار دارد، و راه حل های عقلانی، انسانی و متناسب با شرایط بومی هر منطقه هدف تصمیم گیری هاست، محیط زیست خود به خود به سوی بهبودی پیش خواهد رفت. اساساً ساختار ضروری برای چنین جامعه ای در مسیر بهبودی و آبادانی محیط زیست انسان هاست. لزوم داشتن فضای کافی در اطراف خانه ها به منظور انجام کار و تولید، به تدریج بافت فیزیکی زیستگاه های انسانی را تغییر خواهد داد. این فضاها که ایجاد آنها در مقررات شهرسازی گنجانده خواهد شد، فضای کافی برای تولید محصولات خوراکی و تولید انرژی در نزدیکی سکونتگاه ها را ممکن می سازد. همین تغییر کالبدی در شهر، بافت مراکز شهری را متحول می کند و از نیاز به شبکه عظیم حمل و نقل به شدت می کاهد.

اوقات فراغت

با تحکیم الگوی استخدامی کار در عصر صنعت، مرز بین کار و تفریح در زندگی آدمی پررنگ تر شده است. اوقات فراغت در معنی یعنی وقت هایی که افراد در اختیار خود دارند و در خدمت کارفرمای خود نیستند. برای کسانی که اجیر غیر نیستند، مرز بین زمان کار و اوقات فراغت به این پررنگی نیست. مسلماً برای خانه داران و یا آنهایی که خود اشتغال اند، «اوقات فراغت» به همان معنی نیست که برای کارگران تمام وقت یک واحد صنعتی.

از سوی دیگر، با تحول و تکامل الگوی استخدامی کار به عنوان راه غالب کسب درآمد نقدی، واژه های «ساعات کار» و «اوقات فراغت» معنی پولی به خود گرفته اند. «ساعات کار» به زمانی می گویند که افراد پول در می آورند، و «اوقات فراغت» به زمانی گفته می شود که افراد پول خرج می کنند. این خود به ظهور صنایعی انجامیده که مشخصاً برای تامین نیازمندی های مرتبط با اوقات فراغت مردم به وجود آمده اند، چه با سرمایه بخش خصوصی و چه با اعتبارات بخش دولتی.

لذا در عصر صنعت، به موازات گذار به الگوی استخدامی کار، تحول دیگری در حوزه تفریح و گذران اوقات فراغت مردم نیز رخ داده است. در جوامع ماقبل عصر صنعت، غالب مردم اسباب گذران اوقات فراغت خود را خود فراهم می کردند. اما هم اکنون برای این نیاز نیز، همانند دیگر نیازهای مردم، سازمان ها و تشکیلات عریض و طویل غیر محلی شکل گرفته است. نکته کلیدی در اینجا کنترل وقت و مکان در جامعه است. سازمان هایی که با پرداخت دستمزد، وقت شهروندان را در رابطه کارگر-کارفرما در اختیار می گیرند، مکان گذران آن وقت را نیز مشخص می کنند. و متشابهاً، صنایعی که تامین نیازهای مرتبط با اوقات فراغت مردم را به عهده گرفته اند نیز اختیار کامل مقدار و مکان گذراندن این وقت را در اختیار و کنترل خود گرفته اند.

در سناریوی دوم، یعنی توسعه صنعتی شتاب یافته، این طور پیش بینی شده است که صنایع مرتبط با سرگرمی و تفریح مردم با ارائه کالاها و خدمات مرتبط، مردم را به فعالیت هایی که در بیرون از خانه و محل زندگی آنان است هدایت خواهند کرد، همانطور که امروزه برای کار، توجه مردم به سوی محیط خارج از خانه و محل زندگی خود معطوف شده است. اما در

سناریوی سوم، چگونگی گذرانِ اوقات فراغت تابع ارزش ها، نیازها و بینش خود مردم خواهد بود. چگونگی گذراندنِ اوقات فراغت در آن جامعه، مرز پرننگی که هم اکنون بین کار و تفریح در جوامع بشری به وجود آمده است را از میان خواهد برد.

در آن نوع از جامعه آینده، مرز بین فعالیت ها، چه کاری باشد و چه تفریحی، مرزی پولی خواهد بود. به این معنی که همان طور که دو نوع کار وجود خواهد داشت، یعنی کاری که برای کسب درآمد است و کاری که برای کسب درآمد نیست، در مورد فعالیت های تفریحی نیز گزینه ها به دو قسمت قابل تقسیم خواهد بود، فعالیت های تفریحی و سرگرم کننده که برای آنها باید پول خرج کرد و آنهایی که برای استفاده از آنها نیاز به خرج کردن پول نیست. مثلا سفرهای خارجی هزینه دارد. اما صرف وقت در تاسیسات ورزشی که توسط مثلا شهرداری یا دهیاری محل تاسیس شده است مستلزم خرج کردن پول نیست. همچنین مطالعه در کتابخانه ها و یا پیاده روی پول نخواهد خواست. حتی فعالیت های تفریحی و سرگرم کننده دیگری نیز قابل تصور است، که ضمن تازه کردن روح و روان آدمی موجب می شود که در صرف پول در دستیابی به دیگر کالاها نیز صرفه جویی شود. مثلا باغچه کاری برای پرورش محصولات خوراکی مورد نیاز خانواده از این قبیل فعالیت هاست. باغچه کاری، ضمن فراهم کردن فعالیتی فرحبخش برای فرد، زندگی و تغذیه ای سالم تر برای کل خانواده با هزینه کمتر را ممکن می سازد.

سناریوی اول فرض بر این دارد که مردم کماکان به انجام کارهای استخدامی خود اشتغال خواهند داشت و برای خریداری کالاها و خدمات سرگرم کننده و تفریحی پول برای خرج کردن خواهند داشت. همچنین مردم با درآمدی که کسب می کنند قادرند برای ساخت امکانات تفریحی توسط دولت ها مالیات بپردازند. از رشد در این بخش از جامعه نیز انتظار می رود که فرصت های شغلی برای جویندگان کار فراهم کند.

در سناریوی دوم که بر اساس فرض بیکاری خیل عظیمی از مردم اندیشیده شده است، مردم نقش قابل توجهی در انتخاب چستی و چگونگی تفریحات و سرگرمی های خود ندارند چرا که این سوالات را کارشناسان و متخصصین امر در صنایع بزرگ تفریحی به نحوی کارشناسانه پاسخگو خواهند بود. اما طرفداران چشم انداز دوم هنوز روشن نکرده اند که تامین مالی این

سرمایه گذاری های بزرگ در زمانی که بخش عظیمی از جامعه بیکار است چگونه خواهد بود.

تعلیم و تربیت، آموزش حرفه ای و آموزش عالی

ارائه انواع آموزش های نظری و مهارتی به نسل جوان در جوامع توسعه یافته بر این فرض استوار است که پس از پایان تحصیلات، دانش آموختگان به کاری استخدامی خواهد پرداخت. یعنی اغلب مردم در تشکیلاتی بزرگ و در ازای درآمدی نقدی مشغول به کار می شوند. از منظر افکار عمومی نیز، برای غالب مردم، علم آموزی از طریق موسسات آموزشی موجود یعنی آماده شدن برای دنیای کار استخدامی. و هرچه این تحصیلات بهتر و بالاتر باشد، کاری که فرد به آن اشتغال خواهد داشت برجسته تر و پردرآمد تر خواهد بود.

همزمان، همین سیستم آموزشی، گروه کوچکی از جامعه را نیز برای سمت های مدیریتی آماده می کند. این گروه برگزیده، طبقه «استخدام کننده» جامعه را تشکیل می دهد. این مرزبندی در تحصیلات و اشتغال، بزرگترین شکاف اجتماعی در جوامع امروز، یعنی شکاف بین طبقه «استخدام کننده» و طبقه «مستخدم» را به وجود آورده است. طبقه استخدام کننده شامل افرادی چون مدیران اجرایی شرکت های بزرگ، روسای دانشگاه ها و دانشمندان سرشناس در سطح بین المللی است. اگر چه بسیاری از اینها نیز خود در استخدام یک سازمان اند، اما جایگاه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این اعضای جامعه به صورتی است که آنها را از سایر شهروندان جدا می کند.

در جامعه کنونی که بر پایه سناریوی ادامه توسعه صنعتی استوار است، انتقاد غالب این است که نهادهای آموزشی موجود، افراد را به نحو شایسته ای برای اتخاذ مشاغل آینده آماده نمی کند. یکی از تحولات جدید در این زمینه در انگلستان، آغاز برنامه های آموزشی موسوم به «مهارت آموزی به جوانان» و «تجربه کار» است. اما این برنامه ها نیز با نیت آماده سازی نسل جوان کنونی برای کار استخدامی طراحی شده اند.

در سناریوی توسعه صنعتی شتاب یافته، آموزش به دو شاخه کاملاً متفاوت تقسیم می شود، یکی برای اعضای اقلیت کارگر و دیگری برای توده های بیکار. برای کارگران تحصیل کرده و فوق متخصص، تحصیلات در رشته های بسیار پیشرفته چون میکروالکترونیک و مهندسی

زیستی و نظایر اینها متمرکز خواهد بود. برای توده های بیکار، آموزش بیشتر جنبه سرگرمی خواهد داشت.

با تغییر مسیر از توسعه صنعتی به سوی گزینه های عقلانی، انسانی و متناسب با شرایط بومی، آموزش به سوی تاکید بر یادگیری و مهارت آموزی کاربردی، تغییر جهت خواهد داد. این مهارت ها به افراد کمک خواهد کرد که حتی در اوقات فراغت نیز با استفاده از مهارت های آموخته بتوانند از زمان خود به طور مولد و رضایتمندانه استفاده کنند. در این سناریو، برنامه های آموزشی برای اهدافی چون خوداتکایی، تعاون، خودکفایی و تامین محلی نیازمندی های مردم طراحی و ارائه می شود.

درآمد ها

در عصر حاضر، مردم برای تامین همه نیازمندی های خود محتاج به پول اند. در مقایسه با وضعیتی که پیشینیان ما در ادوار گذشته داشته اند، تعداد نیازهایی که ما داریم با تلاش خود و بدون واسطه پول برطرف کنیم اندک و انگشت شمار اند.

www.eabbassi.ir

در عصر حاضر، جامعه صنعتی تعهد فراهم بودن درآمد نقدی برای جمیع شهروندان را قبول کرده است. و فرض مطلوب بر این است که این پول یا از طریق کار استخدامی به دست آید یا با اتکا به شخصی که کار استخدامی دارد. اشخاصی که دریافت کننده نوعی بیمه بیکاری از دولت اند از این قاعده مستثنی اند و به خاطر این استثنا از جایگاه تحقیرآمیزی در جامعه رنج می برند. به این اشخاص عموماً به دیده یک شهروند درجه دو نگاه می شود و لذا ایشان با محدودیت های سختی روبرویند. آنها مجاز نیستند که وارد دوره های آموزشی شوند و یا کار دیگری قبول کنند چون در آن صورت ممکن است که شرایط لازم برای دریافت حق بیمه خود را از دست بدهند.

به عبارت دیگر، در شرایط فعلی، یعنی سناریوی اول، دولت مسئول ایجاد اشتغال محسوب می شود و هر که بیکار است نمی تواند خود را مشغول به کاری کند که طور دیگری برای جامعه سودمند باشد. بیکاری او باید ادامه یابد تا نهایتاً اقدامات دولتی برای ایجاد فرصت های شغلی و رونق اقتصادی در جامعه به ثمر بنشیند تا وی مجدداً بتواند به کار استخدامی خود برگردد.

دو سناریوی دیگر، یعنی توسعه صنعتی شتاب یافته و سناریویی که طرفدار «کار برای خود» است، معتقدند که دیدگاه بالا در مورد کار و اشتغال در جامعه بشری، دیدگاهی قدیمی و تاریخ گذشته است و باید متحول گردد. هر دو باور دارند که میزان بیکاری بالا در جوامع کنونی در واقع گواه آغاز دوران جدیدی در حوزه کار و کسب معاش است.

طرفداران این دو چشم انداز مختلف از آینده در این نکته اتفاق نظر دارند که رسیدن به بیکاری صفر درصد در جامعه صنعتی امروز، هدفی بی اساس و غیر عملی است. اندیشمندان هر دو سناریو پیش بینی می کنند که در عصر پسامدرن، کسب درآمد از طریق دریافت دستمزد و حقوق راهکاری غیر متعارف خواهد بود. به عنوان جایگزین، این دو چشم انداز دریافت نوعی مقرری از دولت با عنوان «حداقل درآمد تضمینی»^{۱۴} را پیشنهاد می کنند. بر اساس این نظریه، همه شهروندان برای تهیه حداقل امکانات زندگی، درآمد مورد نیاز خود را از دولت دریافت می کنند. دریافت این درآمد حداقل از دولت، که از آن مالیات گرفته نخواهد شد، مانع از این نخواهد بود که شهروندان برای بهبود شرایط زندگی خود اقدام به کار و فعالیت های بیشتر جهت کسب درآمد بالاتر کنند. و البته هر گونه درآمدی که از طریق این فعالیت های بیشتر کسب شود، مسلماً مشمول مقررات مالیاتی خواهد بود.

در سناریوی توسعه صنعتی شتاب یافته، میزان درآمد تضمینی برابر با مقداری توصیه می شود که شهروندان بتوانند به راحتی زندگی مبتنی بر بیکاری و سرگرمی خود را ادامه دهند. اما در چگونگی عملیاتی کردن این برنامه در آن جامعه هنوز سؤالاتی باقی است که هنوز پاسخ قانع کننده به آنها داده نشده است. مثلاً برای زمانی که مردم بتوانند زندگی مرفه و بی دغدغه ای داشته باشند و کار هم نکنند، این درآمد تضمینی برای هر خانوار می باید الزاماً رقم بالایی باشد. اما این تمهیدات مالی مستمر برای هر خانوار، ضمن ایجاد بار مالی گرانی برای کل جامعه ایجاد می کند، بی شک به موجب رنجش اقلیت کارگر که برای درآمد خود هم کار می کند و هم از درآمدش مالیات می پردازد و در ضمن با تلاش خود اسباب راحتی و سرگرمی بخش بیکار جامعه را فراهم می کند خواهد شد. بسیاری از این کارگران سخت کوش احتمالاً خواهند خواست که به خیل عظیم بیکاران پیوندند و بدون کار کردن از حقوق مکفی بدون

¹⁴ Guaranteed Basic Income / GBI

مالیات و سرگرمی و تفریح موجود بهره ببرند. لذا واقع گرایانه نیست که با این رویکرد به پرداخت درآمد تضمینی به خانوارها در جامعه به راهکاری پایداری برسیم.

در سناریوی تغییر مسیر کلی در روند توسعه، دریافت حداقل درآمد تضمینی از سوی شهروندان موقتی و فقط برای دوره عبور از کار استخدامی به «کار برای خود» است. این تمهیدات مالی به طور موقت، تغییر جهت در اقتصاد و جامعه را تسهیل می کند تا مردم بتوانند به تدریج نظام جدید کار را بر اساس «کار برای خود» سامان بخشند. در نظام جدید، غالب مردم اکثر نیازهای خود را توسط کاری که خود انجام می دهند تامین خواهند کرد و به برکت نظام کاری جدید، مردم به طور کلی وابستگی کمتری به دریافت وجه کمکی از سوی دولت ها خواهند داشت.

به عبارت دیگر، حداقل درآمد تضمینی به آندسته از افرادی که در حال حاضر به واسطه بیکاری از دولت حقوق می گیرند امکان می دهد که با عبور از دوران گذار، صاحب درآمد شوند، درآمدی که به آن مالیات تعلق می گیرد. و به جای اینکه وقت خود را صرف جستجو به دنبال کارهایی که اصلاً وجود ندارد کنند، با اطمینان خاطر، همت خود را معطوف به خدمت رسانی به خود و اطرافیان خود خواهند کرد.

پس با کاستن اتکای مردم به خدمات اجتماعی دولت که معمولاً با تحقیر همراه است، دریافت حداقل درآمد تضمینی عملاً به کاسته شدن بار مالی دولت ها و کاهش ضرورت اخذ مالیات (به صورتی که در حال حاضر متداول است) برای تامین این خدمات خواهد انجامید. قابل تصور است که با تکامل جامعه بر اساس راهکارهای پیشنهادی در سناریوی سوم، به تدریج از نیاز به پول برای تامین نیازمندی های جامعه نیز کاسته خواهد شد و لذا میزان حداقل درآمد تضمینی تقلیل خواهد یافت. (جزئیات بیشتر در مورد عملیاتی کردن سیاست حداقل درآمد تضمینی در فصل ۱۲ کتاب آمده است).

سرمایه، سرمایه گذاری و زمین

در عصر صنعت، این ذهنیت که تامین انواع سرمایه، مثل زمین، تاسیسات، ماشین آلات، ابزار و ادوات کار و دیگر اشکال سرمایه به عهده استخدام کنندگان و تامین نیروی کار به عهده سایر مردم (یعنی مستخدمان) است عمیقا ریشه گرفته است.

در سناریوی ادامه توسعه صنعتی، مسلما این ذهنیت ادامه می یابد. کمک های مالی به طبقه استخدام کننده، از جمله انواع تسهیلات بانکی و نیز تخفیف های مالیاتی بر حسب نرخ استهلاک سرمایه¹⁵ به قوت خود باقی خواهد ماند. این امتیازات به سازمان های استخدام کننده داده می شود تا آنها نیز به اشتغالزایی در جامعه ادامه دهند. از آنجاییکه نوع غالب کار و اشتغال در جامعه از نوع استخدامی است، دادن این امتیازات از سوی دولت ها به سازمان های بزرگ استخدام کننده توجیه پذیر می شود. در صورتی که در واقع اینگونه جانبداری از استخدام کنندگان در جامعه صنعتی تبعیض آمیز است، چرا که به ضرر جوامع محلی و خانوارهاست.

www.eabbassi.ir

در سناریوی دوم، عملکرد تبعیض آمیز دولت ها نسبت به سازمان های بزرگ شدت می یابد و به واسطه نیاز به سرمایه های کلان برای تامین انواع فناوری های پیشرفته و پرهزینه در امر تولید، بهره گیری از سرمایه های کوچک مردم که در بانک ها سپرده گذاری می شود برای اعطای تسهیلات بانکی به استخدام کنندگان بیش از پیش توسعه داده می شود.

اما سناریوی سوم، در این مورد نیز تغییری کلی در سمت و سوی توسعه پیش بینی شده است. تغییر کار از نوع استخدامی به «کار برای خود» موجب می شود که تغییری اساسی در مالکیت و کنترل دارایی های مولد - از نهادها و سازمان های استخدام کننده به خود مردم - صورت گیرد. به طور مشخص، ساز و کارهای جدید و نهادهای مناسبی لازم خواهد بود که مردم را قادر به هدایت کردن اندوخته های نقدی خود به فرصت های سرمایه گذاری محلی کنند. این نهادها می باید طوری طراحی شوند که مردم بتوانند با سرمایه گذاری های اندک و یا با انجام کار، در کسب و کارهای محلی، صاحب سهم شوند.¹⁶ مردم می توانند با این ساختارهای

¹⁵ capital depreciation

¹⁶ برای نمونه هایی از عملکرد این نهادهای سرمایه گذاری محلی به یک نوع شرکت تعاونی سرمایه گذاری در مقاله «حکایت دو

جدید خانه ها و دیگر سازه های مورد نیاز خود را به دست خود و با سرمایه های اندک محلی بسازند و در عمران و آبادانی جامعه خود فعالانه شرکت کنند. شیوه های جدید در اختیار گرفتن زمین، سوای خریداری یا اجازه آن، مثلا با بهره گیری از ساختارهای نوآورانه تملک زمین مثل «وقف زمین به جامعه محلی»،^{۱۷} انگیزه و بستر اجتماعی و اقتصادی لازم برای نقش آفرینی بیشتر مردم در اداره امور محلی به وجود می آید.

اساسا شیوه های جدید تملک و بهره برداری از زمین می باید به صورتی سازماندهی شود که کنترل زمین در اختیار جامعه محلی قرار گیرد و خانوارها و فعالان اقتصادی محل که نیاز به زمین دارند بتواند بدون هزینه کرد بالا به مقدار زمین مورد نیاز خود دست یابند. در بخش ۴ به شرح جزئیات این شیوه ها می پردازیم.

www.eabbassi.ir

دهکده سالم: الگویی برای احیای اقتصادی جوامع محلی» (پاورقی ۹) در آدرس اینترنتی زیر نگاه کنید. مترجم

www.eabbassi.ir/pdf/article_economics_taleecovildawson.pdf

¹⁷ معمولا توسعه و آبادانی جوامع موجب می شود که قیمت زمین و سازه ها ترقی کند. ترقی بازاری قیمت زمین موجب می گردد که این منبع طبیعی و مشترک به ابزاری برای سرمایه گذاری بدل شود. ترقی قیمت زمین و سازه هایی که روی آن بنا شده است به تدریج به حدی می رسد که بسیاری از اعضای جامعه از داشتن سرپناه محروم می گردند. برای پرهیز از این مسئله، در برخی از کشورهای غربی نهادی به وجود آمده است که مشابه با وقف در کشور ما عمل می کند. مقداری زمین با مقاصد از پیش تعریف شده به این نهاد محلی سپرده می شود. از این طریق، زمین مورد نظر عملا از بازار املاک خارج و قیمت آن توسط هیئت امنای نهاد تعیین می شود. هیئت امنای نهاد نیز همواره به نحوی انتخاب می شود که انگیزه خاصی برای بالا بردن قیمت زمین هایی که به ایشان سپرده می شود نداشته باشد. با تعیین قیمت زمین و پیروی از شرایط تعریف شده در شیوه تملک و استفاده و خرید و فروش سازه ها در زمان وقف زمین به این نهاد، هر گونه انگیزه برای بورس بازی با این زمین و سازه های آن از میان می رود. این نهاد به زبان انگلیسی *community land trust* نامیده می شود. برای مطالعه بیشتر در مورد این نهاد به آدرس اینترنتی زیر نگاه کنید.

<http://www.centerforneweconomics.org/content/community-land-trusts-1>

برای نمونه ای از کاربرد اینگونه وقف زمین در ایران نیز به طرح «خانه، خانواده، امید، کار» در آدرس اینترنتی زیر نگاه کنید. مترجم
www.eabbassi.ir/pdf/proprop_instbldng_housing_entrep

فهرست کتاب

مقدمه

بخش ۱: بعد از «عصر استخدام» چه خواهد آمد؟

فصل ۱: آینده های احتمالی برای کار

عصر پسامدرن

دو چشم انداز متفاوت مطرح شده برای آینده

سه آینده احتمالی برای دنیای کار

فصل ۲: تستِ واقع گراییِ سه سناریو

اقتصادی با چهار بخش

احیای اشتغال کامل - آیا واقع گرایانه است؟

سرگرمی و تفریح به جای کار برای اکثریت مردم - آیا واقع گرایانه است؟

کارآیی «کار برای خود» در دنیای کار در آینده
www.eabbassi.ir

فصل ۳: عصر استخدام

الگوهای ماقبل عصر صنعت برای کار

وضعیت کنونی کار

استخدام، نوعی وابستگی

فردگرایی و رابطه خشک سازمانی در کار استخدامی

انحصارگرایی استخدام

وابستگی جوامع محلی

محدودیت های استخدام

فصل ۴: تغییر جهت در دنیای کار

انرژی

فناوری

محیط زیست
اوقات فراغت
آموزش
درآمد
سرمایه، سرمایه گذاری و زمین

بخش ۲: تصور عمومی در مورد کار در حال تحول است

فصل ۵: اخلاق و وجدان کاری تکامل می یابد

اصلاحات پروتستانی

نگاه مردم به زمان و پول

تغییر به مثابه آزادی و پیشرفت

اخلاق کار یا اخلاق تفریح

اخلاقی برای کار در عصر پیش رو

www.eabbassi.ir

فصل ۶: تغییر جهانی، تغییر در ارزش ها

چشم انداز عصر صنعت

جهانبینی عصر پسامدرن

ارزش هایی که در حال تغییرند

از فردگرایی به رویکرد مادرانه

کار مردان، کار زنان

فرصت های برابر

مادرانه کردن کار

فصل ۷: ارزشیابی کار

تئوری قیمت منصفانه

تئوری کار

اقتصاد نئوکلاسیک

چیرگی ارزش های کمی
شکست ارزشیابی کمی
پیشنهاداتی برای آینده

بخش ۳: پایان سلطه استخدام، پایان یک امپراتوری

فصل ۸: نیروی کارگر

رویکردی مدافعانه

اقدام دولتی: طرح «لوکاس»

حقوق و مسئولیت های کار

جدا کردن شخص از کار

تغییر و تحول در طبقه کارگر

فصل ۹: پول

سلطه پول

چند احتمال برای آینده

پول و «کار برای خود»

اثرات مثبت و منفی

«انحلال صومعه ها»، از گونه ای دیگر

فصل ۱۰: سیاست و دولت

همپیمانی های عصر صنعت

آینده های احتمالی در سیاست و دولت

یک سناریو

فروپاشی یا استعمار زدایی

www.eabbassi.ir

بخش ۴: جزییات عبور از عصر صنعت به عصر جدید

فصل ۱۱: «کار برای خود» از همین حالا آغاز شده است

«کار برای خود» در سطح شخصی

«کار برای خود» برای جامعه محلی

دنیای تجارت و صنعت

اداره امور در سطح محلی

دولت مرکزی و سازمان های بین المللی

نهادهای دیگر

فصل ۱۲: دستورالعمل «کار برای خود»

درآمد های شخصی

دسترسی به محل کار

زمین و سرمایه

www.eabbassi.ir

توسعه اقتصادی محلی

فناوری

آموزش و اوقات فراغت

رشته اقتصاد، علوم طبیعی و علوم مدیریت

نهادهای کلیدی

نتیجه گیری

ضمیمه ۱: یادداشتی در مورد تغییر نگرش

ضمیمه ۲: لیست ویژگی های «کار برای خود»

یادداشت ها و منابع

نمایه اسامی

نمایه موضوعی

* جیمز رابرتسون از چهره های سرشناس گروهی از اندیشمندان جهان است که پیرامون تدوین «اقتصاد نو» با هدف پایان بخشیدن به زیاده خواهی های الگوی توسعه غربی در زمینه های مختلف جامعه، از جمله کار، پول، تجارت، انرژی، محیط زیست و منابع طبیعی، وابستگی، سیاست و فناوری نظریه پردازی می کنند. متاثر از افکار اقتصاددان مشهور آلمانی، ای اف شوماخر، این گروه از اندیشمندان اساساً معتقد به «اندازه شناسی» اند، به این معنی که توسعه برای جوامع انسانی باید در مقیاسی برنامه ریزی شود که دقت نظر در مورد شرایط بومی و نیازهای مردم در محل، چه در شهر و چه در روستا، نادیده گرفته نشود. از دیگر خصوصیات اندیشه های رابرتسون، اعتقاد وی به نگاهی سیستمی به مسایل است. به این معنی که او باور دارد که آنچه امروزه، درست یا غلط، در عرصه اقتصادی و سیاستگذاری کشورها رخ می دهد، از آنچه در زمینه فرهنگ و رفتار در میان توده ها دیده می شود جدا نیست، و بالعکس. لذا از لحاظ بسترسازی در جوامع به منظور رشد فرهنگی و معنوی نیز، سیاستگذاری های درست و سنجیده اقتصادی از اهمیت کلیدی برخوردار است. برای آشنایی بیشتر با نظرات جیمز رابرتسون به پایگاه اطلاعاتی وی در <http://jamesrobertson.com> آدرس اینترنتی زیر نگاه کنید.

www.eabbassi.ir